



The Rights of Displaced Persons and Obligations of With a View to the Status of States Towards Them Displacement in the World and Islamic Countries

Mohammad Jasbi¹

Received: 15/02/2020; Accepted: 07/10/2020 Seyed Mohammad Hashemi²

Mohsen Mohebi³

Abstract

One of the important issues that has attracted the attention of international community and with which the world in 21th century is confronted in recent years is displacement crisis. Nevertheless, the study of rights of "Displaced Persons" in international instruments shows that they are not still under the protection of legal system and just enjoy the protection of general protections existed in human rights law, humanitarian law and international criminal law that are insufficient and selective. This necessitates more and active intervention of the UN human rights system. But, owing to the fact that the duties of states toward individuals are part of erga omnes obligations and even in some cases fall under jus cogens, the present research by using descriptive-analytic method, while studying and analyzing the obligations of states towards displaced persons came to this conclusion that of the most significant obligations of states are first obligation to protect and prevent the development of displacement and then obligation to accept the displaced persons. Therefore, it seems that displacement in the emergency conditions can be considered a right for individuals and an international obligation for states. consequently, the violation of rights of displaced persons may cause the international responsibility for the wrongdoer state. In addition, a study of the displacement status in the world shows that Islamic countries are mostly exposed to the displacement crisis (more than two-thirds of the world's displaced population belongs to these countries), which is mainly due to violence and internal conflicts, which in most cases are rooted in tribal, racial and religious issues.

KeyWords: International Obligations, Displaced Persons, Refugees, Human Rights, Islamic Countries.

1. Ph. D. Candidate in Public International Law, Faculty of Law, Theology and Political Science, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran.
2. Professor, Department of Public Law, Faculty of Law, Shahid Beheshti University (Corresponding Author): Email: dr.sm.hashemi1320@gmail.com
3. Assistant Professor, Department of Public and International Law, Faculty of Law, Theology and Political Science, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran.

حقوق آوارگان و تعهدات دولت‌ها در قبال آنان با نگاهی به وضعیت آوارگی در جهان و کشورهای اسلامی

تاریخ دریافت ۹۸/۱۱/۲۶ - تاریخ پذیرش ۹۹/۰۷/۱۶
محمد جاسبی^۱
سید محمد هاشمی^۲
محسن محبی^۳

چکیده

یکی از مسائل مهمی که در سال‌های اخیر توجه جامعه بین‌المللی را به خود جلب نموده و جهان در قرن ۲۱ با آن مواجه می‌باشد، بحران آوارگی است. با وجود این، بررسی حقوق «آوارگان» در اسناد بین‌المللی نشان می‌دهد که آنان هنوز هم از یک نظام حقوقی حمایتی ویژه برخوردار نبوده و فقط از حمایت‌های عام موجود در حقوق بشر، حقوق بشردوستانه و حقوق کیفری بین‌المللی بهره‌مندند که موردی و ناکافی بوده و مستلزم مداخله بیشتر و فعالانه‌تر نظام حقوق بشر سازمان ملل می‌باشد. اما با توجه به اینکه امروزه تعهدات دولتها در برابر افراد در زمره تعهدات عام و در برخی از موارد آمره به شمار می‌آید، پژوهش حاضر با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی، ضمن بررسی و تحلیل تعهدات دولتها در قبال آوارگان به این نتیجه رسید که از مهمترین تعهدات دولتها، ابتدا تعهد به حمایت و ممانعت از گسترش آوارگی و سپس تعهد به پذیرش آوارگان است. بنابراین به نظر می‌رسد آوارگی در شرایط اضطراری برای افراد را بتوان یک حق و نسبت به دولتها یک تعهد بین‌المللی به شمار آورد. در نتیجه نقض حقوق آوارگان ممکن است موجبات مسئولیت بین‌المللی را برای دولت خاطی فراهم سازد. به علاوه بررسی وضعیت آوارگی در جهان نشان می‌دهد کشورهای اسلامی در معرض بیشترین بحران آوارگی قرار دارند (بیش از دو سوم جمعیت آوارگان جهان مربوط به این کشورهاست) که علت عمده آن، خشونت و درگیری‌های داخلی است که در بیشتر مواقع خاستگاه قبیله‌ای، نژادی و مذهبی دارد.

واژگان کلیدی: تعهدات بین‌المللی، آوارگان، پناهندگان، حقوق بشر، کشورهای اسلامی.

۱. دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل عمومی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران.
۲. استاد گروه حقوق عمومی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی (نویسنده مسئول)؛ رایانامه: dr.sm.hashemi1320@gmail.com
۳. استادیار گروه حقوق عمومی و بین‌الملل، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران.





مقدمه

افزایش موج عظیم «آوارگان» در نقاط مختلف جهان و حرکت (فرار) دسته جمعی افراد عادی از یک کشور به دلایل مختلف و از جمله جنگ یا ناامنی داخلی (هرج و مرج، آشوب‌ها و درگیری‌های داخلی) و یا اوضاع بد اقتصادی (قحطی و خشکسالی، فقر و بیکاری و ...) و ورود سیل آسای آنان به کشورهای دیگر، بحران جدی است که در سالهای اخیر توجه جامعه بین‌المللی را به خود جلب نموده و حقوق آوارگان را متحول ساخته است. شاید جهان در قرن بیستم بر اثر وقوع دو جنگ جهانی با پدیده‌ای تحت عنوان «پناهندگان» روبرو بود و این اتفاقات موجب جابجایی گسترده افرادی شد که به دلیل تبعیضات نژادی، مذهبی، قومی و ... سرزمین خود را قابل سکونت نمی‌یافتند و جامعه بین‌المللی را با دسته‌های عظیمی از پناهجویان مواجه کرد، اما با تصویب کنوانسیون پناهندگان در سال ۱۹۵۱ گام بلندی در زمینه حمایت از آنان برداشته شد و به دنبال آن نیز پروتکل الحاقی مربوطه در ۱۹۶۷ محدودیتهای جغرافیایی و تاریخی آنرا برداشت تا تعریف گسترده‌تری از پناهنده ارائه گردد. به همین دلیل وضعیت پناهندگی شرایط ویژه‌ای است که حقوق و تکالیف خاصی را متوجه کشور پذیرنده و همچنین پناهنده خواهد کرد. با این وجود باید اذعان داشت که کنوانسیون پناهندگان، ماهیتی فردگرایانه دارد و تنها افرادی را که به یکی از دلایل پنج‌گانه مربوط به نژاد، مذهب، ملیت، عضویت در گروههای اجتماعی خاص و یا داشتن عقیده سیاسی پناه جو هستند، تحت مفهوم پناهنده قرار می‌دهد. از این رو گروههایی که بر اثر حوادث ناخوشایند همچون جنگ، هرج و مرج داخلی، قحطی و بلایای طبیعی یا اوضاع بد اقتصادی به کشورهای دیگر پناه می‌برند در تعریف کنوانسیون پناهندگی نمی‌گنجد، بلکه از آنها می‌توان تحت عنوان «آواره» یاد نمود. در نتیجه آوارگان از وطن در چتر حمایتی کنوانسیون ۱۹۵۱ و کمیساریای عالی پناهندگان قرار نمی‌گیرند و تنها مورد برخی از حمایت‌های عام حقوق بشری قرار دارند، در حالی که





یکی از مسائل مهمی که به نظر می‌رسد جهان در قرن ۲۱ با آن مواجه باشد، بحران آوارگی است. به طوری که طی گزارش سازمان ملل در سال ۲۰۱۸ تعداد پناهنجویان و آوارگان از مرز ۷۰ میلیون نفر در سراسر جهان گذشته است.

بنابراین با توجه به اینکه مسئله آوارگی روز به روز ابعاد گسترده‌تری می‌یابد، آگاهی از حقوق آوارگان هم موجب دفاع آگاهانه آنان از حقوقشان می‌شود و هم دولت‌ها را با حقوق و تعهدات قانونی خود آشنا می‌کند تا اعمال آنها موجبات مسئولیت بین‌المللی را برایشان فراهم نسازد. در نتیجه با توجه به اهمیت حقوق آوارگان، تحقیق حاضر در صدد این است تا با تحلیل تعهدات دولت‌ها در قبال آنان به این پرسش پاسخ دهد که دولت‌ها در قبال حقوق آوارگان چه تعهداتی دارند و چگونه باید آنرا احراز و اجرا نمایند؟ هر چند سوالات دیگری نیز در این رابطه مطرح است از جمله: دلایل ایجاد و افزایش موج آوارگی در جهان کدامند؟ آوارگان از چه حمایت‌هایی در نظام حقوقی بین‌المللی برخوردار هستند؟ وضعیت آوارگی در جهان و کشورهای اسلامی چگونه است و چه تعهداتی در حقوق اسلام برای حمایت از آوارگان وجود دارد؟

در این راستا به نظر می‌رسد بحران آوارگی موجب شده تا از طرفی، امروزه نقش دولت‌ها و تعهدات آنان در قبال آوارگان از اهمیت خاصی برخوردار باشد و از طرف دیگر، با نفوذ ارزشهای حقوق بشری، قدرت الزام حق آوارگی به ویژه در شرایط اضطراری (به خطر افتادن جان انسانها) نسبت به گذشته افزایش یافته و در مسیر تبدیل شدن به یک حق اولیه بشری قرار گیرد. از این رو یکی از موضوعات مهم در حقوق بین‌الملل، حقوق آوارگان به عنوان زیر مجموعه‌ای از حقوق بشر است، به طوری که رعایت حقوق و آزادی‌های اساسی آنان توسط دولت‌ها یک تکلیف و تعهدی بین‌المللی (الزام‌آور) به شمار می‌آید.

به همین منظور پژوهش حاضر با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و بهره‌گیری از مطالعات اسنادی سعی دارد تا ابتدا به مفهوم آواره و تمایز آن از سایر گروه‌ها اشاره نماید و سپس به دلایل آوارگی پردازد و در ادامه با مدنظر قرار دادن اسناد بین‌المللی مرتبط، حقوق آوارگان و همچنین تعهدات دولت‌ها در قبال آنان را مورد بررسی قرار دهد و در





پایان نگاهی به وضعیت آوارگی در جهان و کشورهای اسلامی بیاندازد و تعهدات موجود در حقوق اسلام را مطرح نماید.

۱. مفهوم آوارگی و تمایز آن از مفاهیم مشابه

آواره را نباید با سایر گروهها اشتباه گرفت. اسناد بین‌المللی و رویه جاری کشورها، نمایانگر گونه‌ای از تفکیک بین این مفاهیم است. از این رو ابتدا به تعریف آواره پرداخته و سپس آن را از سایر مفاهیم مشابه تفکیک خواهیم نمود.

۱-۱. مفهوم آواره^۱

در مفهوم حقوقی، آوارگان معمولاً گروههای آواره شده از حوادثی همچون جنگ، نابسامانی‌های (آشوبهای) داخلی و بلایای طبیعی و از این دست مواردی که در تعریف کنوانسیون پناهندگی نمی‌گنجد را در بر می‌گیرند (Care et al, 1995: 18). از این رو چنانچه افراد یک جامعه به دلیل جنگ یا هرگونه ناامنی داخلی ناگزیر به ترک کشور خود باشند، این افراد را بدون ارائه دلیل موجه (ترس از تعقیب و مجازات توسط دولت متبوع) نمی‌توان پناهنده محسوب کرد، بلکه از آنها می‌توان تحت عنوان «آواره» یاد نمود (هاشمی، ۱۳۹۳: ۶۱۱). ضمن اینکه آوارگی منحصرأ جابجایی‌های اجباری یا غیرداوطلبانه را شامل می‌شود و در جایی که شخصی جابجایی یا مهاجرت را بر می‌گزیند، نمی‌توان به آن آوارگی اطلاق نمود (Michele, 2013: 51). به علاوه مفهوم آواره، هم آوارگان داخلی و هم آوارگان خارجی را در بر می‌گیرد.

۱-۱-۱. آوارگان داخلی^۲

در اصول راهنمای آوارگی داخلی سازمان ملل (۱۹۹۸) آمده است: «آوارگان داخلی افراد و یا گروه‌هایی می‌باشند که به ویژه در نتیجه و یا به منظور اجتناب از عواقب مخاصمه مسلحانه، شرایط فراگیر خشونت، نقض‌های حقوق بشری یا بلایای طبیعی یا ساخته دست بشر، مجبور به فرار و یا ناگزیر به ترک خانه یا اقامتگاه عادی خود شده و از مرزهای به



1. Displaced Person.
2. Internally Displaced Persons.



رسمیت شناخته بین‌المللی عبور ننموده‌اند». ضمناً کنوانسیون کامپالا نیز تعریف کاملاً مشابهی را ارائه می‌دهد (Kalin et al, 2012: 10). در این تعریف دو عنصر کلیدی در میان همه آوارگان داخلی مشترک است؛ یکی ماهیت قهری جابجایی آنان و دیگری قرار گرفتن در داخل مرزهای ملی کشورشان (قبادی لنگرودی، ۱۳۹۳: ۱۳).

۱-۲- آوارگان خارجی^۱

این گروه نیز به دلایل مشابه آوارگان داخلی مجبور به ترک خانه و کاشانه خود می‌شوند، با این تفاوت که با عبور از مرزهای بین‌المللی، وضعیت و حمایت‌های حقوقی متفاوتی از آوارگان داخلی پیدا می‌کنند. بنابراین «آوارگان خارجی (از وطن) به اشخاصی اطلاق می‌شود که به دلایل متعددی همچون جنگ، آشوب‌های (هرج و مرج‌های) داخلی، بلایای طبیعی (قحطی و خشکسالی و ...)، نقض سیستماتیک حقوق بشر و مواردی از این دست مجبور به ترک خانه و کاشانه خود شده و مرزهای ملی کشورشان را در نوردیده و به کشورهای دیگر پناه می‌برند.» در نتیجه این گروه علاوه بر وجود ضابطه اجبار، باید از مرزهای کشورشان، مشابه پناهندگان و پناهجویان بگذرند (قاری سیدفاطمی، ۱۳۸۹، ۲: ۴۲۲).

۲-۲- مفاهیم مشابه آوارگی

اصولاً نباید مفهوم آواره را با مفاهیم مشابهی از قبیل پناهنده، پناهجو و مهاجر اشتباه گرفت. زیرا گاهی دیده شده این واژگان را سهواً به جای هم به کار می‌برند. بنابراین لاجرم نیازمند ارائه تعاریفی از این واژگان می‌باشیم.

۱-۲-۱- پناهنده^۲

مطابق کنوانسیون پناهندگان (۱۹۵۱) و پروتکل الحاقی ۱۹۶۷؛ پناهنده کسی است که «به علت ترس موجه از تحت تعقیب قرار گرفتن به دلایل نژاد، مذهب، ملیت، عضویت در گروه اجتماعی خاص یا عقاید سیاسی در خارج از کشور متبوع یا محل اقامتش به سر می‌برد و به واسطه آن ترس قادر و مایل نیست که مورد حمایت آن کشور قرار گیرد»





(کیهانلو، ۱۳۹۰: ۶-۲). بنابراین دو ضابطه اصلی در تعریف پناهندگی وجود دارد: یکی ضابطه آزار و دیگری ضابطه عبور از مرز می‌باشد. واضح است که خارج از کشور متبوع یا محل اقامت بودن؛ به عبارتی عبور از مرزهای شناخته شده بین‌المللی دولتها، یکی از عناصر اساسی این تعریف را تشکیل می‌دهد (Yvonne, 2013:16). به علاوه با وجود اینکه جهات پناهندگی در ماده یک کنوانسیون متفاوت است، اما دلیل اصلی پناهندگی را باید «ترس موجه پناهنده از تعقیب و آزار» به جهات ۵ گانه دانست (هاشمی، ۱۳۹۳: ۶۱۱). از این رو یکی از مهمترین مفاهیم و در واقع تفسیر بردارترین آنها «ترس موجه از تعقیب و آزار» می‌باشد که مرجع تشخیص موجه بودن یا نبودن ترس با مقامات کشور میزبان است (قاری سیدفاطمی، ۱۳۸۹، ۲: ۴۲۰).

۱-۲-۲. پناهجو^۱

پناهجو به کسی گفته می‌شود که به همان دلایل مشابه در تعریف پناهنده، از کشورش خارج و با گذر از مرزهای شناخته شده بین‌المللی به کشور دیگر عضو کنوانسیون پناهندگی وارد شده و مدعی است که به علت ترس موجهی که از آزار به دلیل نژاد، مذهب، قومیت، وابستگی به گروه اجتماعی خاص و عقیده سیاسی دارد، تمایلی به بازگشت به کشور خود نداشته یا نمی‌تواند به آن برگردد و در جستجوی حمایت بین‌المللی برآمده است، به همین دلیل براساس کنوانسیون ۱۹۵۱ از کشوری که به آن وارد شده درخواست پناهندگی می‌نماید. در واقع این اصطلاح جهت توصیف وضعیت حقوقی حاصل از شکاف زمانی بین تاریخ درخواست پناهندگی توسط پناهجو تا تاریخ تأیید پناهندگی توسط دولت پذیرنده به کار گرفته می‌شود. بنابراین یک پناهجو، تنها با پذیرش درخواست پناهندگی‌اش است که عنوان پناهنده را یافته و از وضعیت حقوقی پناهندگان برخوردار می‌گردد. در نتیجه مادام که توسط کشور پذیرنده یا کمیساریای عالی پناهندگان رسماً به عنوان پناهنده شناخته نشود، کماکان تحت عنوان پناهجو شناخته خواهد شد. با این وجود، تا زمانی که درخواست پناهجو در حال رسیدگی بوده و فرایند آن به پایان نرسیده



1. Asylum Seeker



است، نباید از کشوری که به آن وارد شده و متقاضی پناهندگی در آن است اخراج یا بازگردانده شود (قاری سیدفاطمی، ۱۳۸۹، ۲: ۴۳۱-۴۲۲).

۱-۲-۳. مهاجر^۱

این اصطلاح معمولاً در مورد افرادی به کار برده می‌شود که آزادانه برای ارتقای وضعیت مادی و یا اجتماعی و بهبود چشم‌اندازهای زندگی شخصی و یا خانوادگی خود به منطقه، کشور و یا ناحیه دیگری نقل مکان (مهاجرت) می‌کنند. از این رو فرقی که میان مهاجرت و پدیده‌هایی همچون آوارگی خارجی و پناهندگی وجود دارد، همان نبود عنصر اجبار است. در رابطه با مهاجرت، سازمان ملل با در نظر گرفتن معیار زمانی، مهاجران را به افرادی تعبیر می‌کند که بیشتر از یکسال در یک کشور خارجی اقامت گزیده‌اند (Glossary on Migration, International Migration Law Series No. 25, 2011). با کنار گذاشتن معیار زمانی و یاری جستن از عنصر اراده و اختیار در مهاجرت، می‌توان مهاجرت-ها را به دو دسته اختیاری و اجباری تقسیم نمود که با چنین تقسیم‌بندی وجوه تفاوت مفاهیم «آوارگان» و «پناهندگان» با «مهاجران» آشکار می‌گردد. بر مبنای این تقسیم‌بندی؛ مهاجرت اختیاری، مهاجرتی است که اغلب مهاجران به منظور ارتقای رفاه و شرایط زندگی خود، با اراده و آگاهانه آن را انتخاب نموده و اقدام به جابجایی می‌نمایند (مهاجران اقتصادی) و مهاجرت اجباری، مهاجرت‌هایی عاری از عنصر اراده و اختیار است (آوارگان و پناهندگان در این گروه هستند).

۲. دلایل آوارگی

عللی که موجب اجبار آوارگان به ترک خانه و کاشانه‌شان می‌شود متعدد است، با این حال آوارگی عمدتاً به دلایلی از جمله: جنگ و آشوبهای داخلی (کشمکش‌های داخلی و بین‌المللی)، آزار و نقض‌های حقوق بشر؛ و همچنین حوادث و بلایای طبیعی مانند





خشکسالی و قحطی، زلزله و سیل و یا فقر و بیکاری، وضعیت بد اقتصادی کشورها و... به وقوع می‌پیوندد.

۲-۱. خشونت و ناامنی

جنگ، آشوب‌های داخلی یا کشمکش‌های داخلی و بین‌المللی و همچنین خشونت‌های فرقه‌ای کماکان علت عمده آوارگی را تشکیل می‌دهد. یکی از علل مهم و اساسی آوارگی، جنگ یا درگیری مسلحانه است. این وضعیت در اکثر اوقات زمینه را برای آوارگی و پناهندگی افراد به ویژه جمعیت غیر نظامی فراهم می‌سازد. دلایلی همچون ترس از جنگ، مجبور شدن افراد غیرنظامی به مشارکت در درگیری و به طور کلی احساس ناامنی همگانی ناشی از درگیری مسلحانه موجب می‌شود تا آن افراد میهن خود را ترک کنند (ضیائی‌بیگدلی، ۱۳۹۴: ۱۱۷). ضمن اینکه منازعات و مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی (جنگ‌های داخلی) هم به اندازه جنگ میان دولتها می‌تواند تاثیر گذار باشد (شریفی طرازکوهی، ۱۳۹۰: ۱۲۵). در بیشتر مواقع مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی، خاستگاه قبیله‌ای، نژادی و مذهبی دارند، به طوری که این نوع از مخاصمات امروزه از پرشمارترین نوع مخاصمات مسلحانه محسوب شده و اغلب منجر به ایجاد موج‌های عظیمی از آوارگان می‌شوند.

۲-۲. بلایای طبیعی و اوضاع بد اقتصادی

حوادث و بلایای طبیعی مانند خشکسالی و قحطی، زلزله و سیل و یا فقر و بیکاری و وضعیت بد اقتصادی کشورها از جمله علل دیگری هستند که موجب آوارگی افراد می‌شود و آنان را به منظور نجات از گرسنگی و ارتقای رفاه و شرایط زندگی خود، به ناچار وادار به ترک خانهایشان می‌سازد. در واقع آوارگان اقتصادی می‌خواهند از شرایط گاه بسیار ظالمانه و طاقت‌فرسای کشور متبوع خود بگریزند، به همین دلیل این افراد پناهنده سیاسی قلمداد نمی‌شوند (هوهن‌فلدرن، ۱۳۹۱: ۲۴۲).





۳. حقوق آوارگان در نظام حقوقی بین‌المللی

هر چند در گذشته افراد از حقوق و تکالیف بین‌المللی برخوردار نبودند، اما امروزه این موضوع پذیرفته شده است که افراد دارای چنین حقوق و تکالیفی هستند. با این حال آوارگان هنوز هم از یک نظام حقوقی حمایتی ویژه برخوردار نیستند و تنها سندی که در سطح بین‌المللی به حمایت خاص از آوارگان (آن هم از نوع آوارگان داخلی) اختصاص دارد، اصول راهنمای آوارگی داخلی سازمان ملل (۱۹۸۸) می‌باشد. بنابراین آنان فقط از حمایت‌های عام موجود در شاخه‌های مختلف حقوقی از جمله حقوق بشر، حقوق بشردوستانه و حقوق کیفری بین‌المللی بهره‌مندند که به تحلیل و بررسی آنها می‌پردازیم.

۳-۱. حمایت‌های حقوق بشری

حقوق بشر یک داده خدایی و ناشی از طبیعت انسانی و در نتیجه آرمان مشترک همه انسان‌هاست (هاشمی، ۱۳۸۶: ۴۵). از این رو حقوق بشر حق‌های گوناگونی برای حمایت از بشر تدارک دیده است که آوارگان نیز همچون دیگر افراد، در هر شرایطی و بدون تبعیض باید از تمام حمایت‌های موجود در آن برخوردار شوند، اما از آنجا که آوارگی با خود دامنه گسترده‌ای از نقض‌های حقوق بشری را به همراه دارد، حقوق بشر در حمایت از آنها اهمیت بیشتری می‌یابد. بنابراین اسناد حقوق بشری در برگیرنده موادی (عام) هستند که می‌توانند ارتباط خاصی با حقوق آوارگان هم داشته باشند، به طوری که رعایت حقوق مندرج در آنها برای دولتهای امضاکننده از جهت حقوق ملی و بین‌المللی یک تکلیف و قاعده حقوقی الزام‌آور می‌باشد (احمدی، ۱۳۸۰: ۴۹). از مهمترین حقوق بنیادین انسانی می‌توان به: حق حیات، آزادی و امنیت، حق برابری و عدم تبعیض، منع خشونت و شکنجه، حق آزادی رفت و آمد و انتخاب اقامتگاه و همچنین حق‌های رفاهی اشاره نمود (گرچی، ۱۳۸۳: ۹).

۳-۱-۱. حق حیات

حق حیات را به لحاظ اخلاقی باید پایه‌ای‌ترین و بنیادی‌ترین عنصر مقوم ارزش انسانی دانست، به طوری که دیگر حق‌های مقرر در اسناد بین‌المللی حقوق بشر متوقف بر آن است. به همین دلیل حق حیات انسانی و منع تعرض به آن در موازین بین‌المللی متعددی





پیش‌بینی شده است، به طوری که بر اساس ماده (۳) اعلامیه جهانی حقوق بشر: «هر کس حق زندگی، آزادی و امنیت دارد» و به موجب بند (۱) ماده (۶) میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی: «حق زندگی از حقوق ذاتی شخص انسان است» (هاشمی، ۱۳۹۳: ۲۸۹). حق حیات در حالت‌های مختلفی ممکن است به مخاطره افتاده و یا مورد تعرض قرار گیرد از جمله پیش‌بینی نکردن مقررات لازم در برخورد با کسانی که حیات دیگران را مورد تعرض قرار می‌دهند، عدم حمایت حکومتها از گروه‌های آسیب‌پذیر (مانند آوارگان) و یا بازگذاشتن دست گروهها یا افراد خاص در تعرض به حیات دیگران جلوه‌ای دیگر از نقض حق حیات است (قاری سیدفاطمی، ۱۳۸۹، ۲: ۵۱). بنابراین وظیفه دولتهاست که با فراهم کردن نیازهای حیاتی آوارگان، شرایطی را مهیا نمایند تا از نقض حق حیات آنها جلوگیری نموده و یا آن را کاهش دهند. در نتیجه سلب حق حیات افراد نه تنها با ارتکاب اعمال غیرقانونی و خودسرانه می‌تواند صورت گیرد، بلکه به واسطه عدم اتخاذ تدابیری برای پیشگیری از وضعیتهایی مانند گرسنگی که مرگ افراد را به دنبال دارد نیز قابل وقوع است (Morales et al, 1999: 144).

۳-۱-۲. آزادی و امنیت فردی

وجود امنیت به عنوان یک تأسیس حقوقی، اخلاقی و اجتماعی برای همگان ضرورت اجتناب‌ناپذیر دارد. آوارگان نیز ممکن است به شکل تبعیض‌آمیزی از سوی مقامات محلی در معرض خطر بازداشت خودسرانه قرار گرفته و در مناطق و یا اردوگاه‌های خاص محبوس شوند. مطابق ماده (۳) اعلامیه جهانی حقوق بشر: «هر کس حق زندگی، آزادی و امنیت شخصی دارد». همچنین بند (۱) ماده (۹) میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، بند (۱) ماده (۵) کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، بند (۱) ماده (۷) کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر و ... به چنین حقی اشاره و تأکید کرده‌اند. (هاشمی، ۱۳۹۳: ۲۸۵).

۳-۱-۳. حق برابری و عدم تبعیض

اصل برابری یکی از اصول بنیادین بشر به شمار می‌رود که در تمام اسناد حقوق بشری مورد تأکید قرار گرفته است، به طوری که اعلامیه حقوق بشر در ماده یک چنین اعلام می‌دارد: «تمام افراد بشر آزاد به دنیا آمده‌اند و از لحاظ حیثیت و حقوق با هم برابرند».





همچنین ماده (۲) این اعلامیه، بند (۱) ماده (۲) میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و بند (۲) ماده (۲) میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز به عدم تبعیض در هر شکلی اشاره دارند که می‌توان وضعیت آوارگی را مشمول عبارت «هر وضعیت دیگر» در این مواد دانست. از این رو تبعیض نسبت به آوارگان به دلیل وضعیتشان نقض حقوق مرتبط با عدم تبعیض خواهد بود (Bayefsky, 1990:4). در نتیجه آوارگان حق دارند که از حقوق برابر با دیگر افراد برخوردار گردند، اما اغلب به دلیل وضعیت آوارگی به ویژه در خلال جنگ‌ها مورد تبعیضات ناروا در خصوص دسترسی به خدمات اجتماعی، پزشکی، آموزشی، مسکن و ... در مکان آوارگی‌شان قرار می‌گیرند.

۳-۱-۴. منع خشونت، بدرفتاری و شکنجه

اصل حیثیت و کرامت انسانی، بنیادی‌ترین اصل موضوعی حقوق بشر و تنها دلیل برخورداراری او از حقوق انسانی و اجتماعی است که به عنوان حقوق انتقال‌ناپذیر انسانها به رسمیت شناخته شده است (قاری سیدفاطمی، ۱۳۸۹، ۱: ۳۸). در نتیجه شکنجه را می‌توان مصداق بارز هتک حیثیت و کرامت انسانی دانست، چرا که منتهی به نقض انسانیت انسان می‌شود. از آنجا که آوارگان در خلال آوارگی خود ممکن است در معرض انواع خشونت‌ها، بدرفتاری‌ها و شکنجه‌ها قرار گیرند، حمایت از آنها در این زمینه بسیار حائز اهمیت می‌باشد. براساس ماده (۵) اعلامیه جهانی حقوق بشر هیچ‌کس نباید تحت شکنجه و یا اقدامات و مجازاتهای ظالمانه، غیرانسانی و تحقیرآمیز قرار گیرد. ماده (۷) میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، ماده (۳) کنوانسیون اروپایی، ماده (۵) منشور آفریقایی و همچنین کنوانسیون منع شکنجه نیز به چنین ممنوعیتی می‌پردازند.

۳-۱-۵. حق آزادی رفت و آمد و انتخاب اقامتگاه

ماده (۱۳) اعلامیه جهانی حقوق بشر بیان می‌دارد: «هر شخصی حق دارد در داخل هر کشوری آزادانه رفت و آمد نموده و اقامتگاه خود را برگزیند و همچنین حق دارد هر کشوری از جمله کشور خود را ترک کرده و یا به کشور خویش بازگردد». ضمن اینکه ماده (۱۲) میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و ماده (۱۲) اعلامیه حقوق بشر اسلامی نیز به مفهوم مشابهی اشاره دارد. هر چند حق مقرر شده در اسناد مذکور مربوط به آزادی





رفت و آمد در داخل کشوری است که فرد در آنجا اقامت دارد و یا در خصوص رفت و آمد آزادانه به کشور متبوع خود می‌باشد و به همین جهت دولت‌های دیگر مجاز هستند تا محدودیت‌هایی را بر اعمال چنین حقی وضع کرده و رفت و آمد به کشورشان را (در شرایط عادی) منوط به کسب مجوز نمایند. اما چنانچه کسانی در صحنه مخاصمات به دام افتاده یا در وضعیت‌های حاد گرفتار شده و در شرایط مرگباری قرار داشته باشند که محروم نمودن آنها از جابجایی به نقاط امن‌تر، حیات آنان را تهدید کند، در این صورت چنین اقدامی به واسطه مغایرت آن با حق حیات ممنوع تلقی می‌گردد (E/CN. 4/2002/74, Para.8, 2002). به علاوه با وجود اینکه حق آزادی رفت و آمد به رسمیت شناخته شده در ماده (۱۲) میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی در زمره حقوق غیر قابل تعلیق در بند (۲) ماده (۴) میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ذکر نشده است، اما عدم ذکر این حق در ماده (۴) میثاق به آن معنا نیست که دولت‌های عضو بتوانند به محض ایجاد یک وضعیت فوق‌العاده با اتخاذ تدابیر محدود کننده مانع چنین حقی شوند. در نتیجه وضع هرگونه محدودیتی در این خصوص باید مطابق با بند (۳) ماده (۱۲) قابل توجیه باشد. همچنین باید توجه داشت که هرگونه تعلیق بند (۱) ماده (۱۲) نباید ناقص حق حیاتی باشد که در ماده (۴) میثاق از آن به عنوان حقی غیر قابل تعلیق یاد شده است، بلکه باید تنها تا حدی باشد که وضعیت اضطراری ایجاد می‌نماید. با این وجود، بعضی از کشورها جابه‌جایی افراد به دیگر نقاط کشور را تابع نظامی نموده‌اند که نیازمند کسب مجوز بوده و محدودیت‌های ناروایی را بر رفت و آمد آزاد افراد در وضعیت‌های مخاصمات مسلحانه برقرار می‌نماید. حال آنکه چنین تدابیر محدود کننده‌ای اگر با معیارهای ضرورت و تناسب منطبق نباشد، نقض بند (۱) ماده (۱۲) میثاق حقوق مدنی و سیاسی خواهد بود (Bayefski et al, 2000: 67). یا اینکه امروزه کشورها به ویژه از سال ۱۹۹۱ به بعد با استعانت از مقوله «امنیت ملی» به عنوان استثناء سعی بر آن دارند تا با ایجاد اردوگاه‌هایی در خاک خود و در مجاورت مرزهای خود با کشور در حال درگیری، پناهجویان یا آوارگان جنگی را به طور موقت در آنجا اسکان دهند و مانع ورود بیشتر آنان به سرزمینشان گردند (کیهانلو، ۱۳۸۲: ۱۵۲).





۳-۱-۶. حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (حقوق رفاهی)

حق بر حداقل‌های معیشتی، جلوه‌ای از حق بر حیات است که در ماده (۱۱) میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی چنین مورد تصریح قرار گرفته است: «هر فرد و خانواده‌اش نه تنها حق دارند از امکانات کافی برای ادامه حیات از جمله غذا، لباس و مسکن بهره‌مند باشند، بلکه محق هستند که به صورت مستمری شرایط معیشتی خویش را بهبود ببخشند». در نتیجه طبق این ماده، دولت‌های طرف میثاق حق هر فرد را به رهایی از گرسنگی به رسمیت شناخته و به منظور تأمین این حق، تدابیر مقتضی را چه به صورت انفرادی و چه در قالب همکاری‌های بین‌المللی اتخاذ خواهند کرد (Muller, 2011: 257). ضمن اینکه حق دسترسی به غذا در مواد مختلف کنوانسیون‌های شماره ۱ و ۳ و ۴ ژنو (۱۹۴۹) هم بیان شده و اقداماتی که ممکن است توسط دولت‌ها یا کمیته بین‌المللی صلیب سرخ به عمل آید بیشتر شامل ارسال مواد غذایی، پزشکی و ... می‌شود که کلیه دولت‌های عضو باید عبور آزادانه این محموله‌ها را تضمین و حمایت کنند (Defalco, 2009: 59-67). وجود چنین حقی برای آوارگان را می‌توان در ملاحظات نهایی کمیته ناظر بر میثاق در مورد سریلانکا نیز مشاهده نمود (E/C.12/1/Add.24, 1998, Para.7). همچنین هنگام بروز مخاصمات مسلحانه، وظیفه دولت‌ها در زمینه دستیابی به مسکن را می‌توان شامل تهیه مسکن موقت و ایجاد اردوگاه‌های آوارگی دانست. به علاوه حق بر آب از حقوق مرتبط دیگری است که برای بقای افراد و یک زندگی شرافتمندانه ضروری بوده و پیش‌شرطی در راستای تحقق دیگر حقوق بشری می‌باشد.

۳-۲. حمایت‌های حقوق بشردوستانه

در حقوق بشردوستانه به جای حق، سخن از حمایت است (ضیائی بیگدلی، ۱۳۹۴: ۴۲). به همین علت بیشتر مقررات حقوق بشردوستانه بین‌المللی به حمایت از قربانیان منازعات مسلحانه بین‌المللی اختصاص داده شده است (شریفی طرازکوهی، ۱۳۹۰: ۱۲۴). با این وجود، باید تفکیکی بین مخاصمات مسلحانه برقرار نمود؛ زیرا که قواعد بشردوستانه قابل اعمال در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی حمایت جامع‌تری از افراد به عمل می‌آورد، اما





چنین قواعدی در زمان مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی محدودتر است، در صورتی که این نوع از مخاصمات امروزه از پرشمارترین نوع مخاصمات مسلحانه تلقی می‌شود.

۳-۲-۱. حمایت از آوارگان در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی

مخاصمات مسلحانه بین‌المللی، موضوع کنوانسیونهای چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ و پروتکل اول الحاقی هستند. بر اساس ماده دوم کنوانسیونهای اول، دوم و سوم و ماده اول پروتکل اول الحاقی، این مقررات شامل هر جنگ اعلام شده و یا هر درگیری مسلحانه دیگر میان دو یا چند دولت است که به مداخله نیروهای نظامی آنها بیانجامد. در خصوص حق حیات آوارگان در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی، می‌توان به ماده (۳۲) کنوانسیون چهارم ژنو اشاره کرد که طرفین درگیر در جنگ باید از هر اقدامی که موجب درد و رنج جسمانی و یا نابودی افراد حفاظت شده در اختیارشان می‌شود، خودداری نمایند. حتی در شرایطی که آوارگان در زمره افراد حفاظت شده قرار ندارند، باز هم باید از حداقل حمایت‌های موجود در ماده (۷۵) پروتکل اول بهره‌مند گردند. در واقع این ماده اعمال خشونت آمیز نسبت به حیات و سلامت جسمانی و یا روانی افراد به ویژه قتل و شکنجه را منع می‌نماید. ماده (۵۱) پروتکل اول نیز به ممنوعیت مورد حمله قرار دادن غیرنظامیان و اعمال خشونت باری می‌پردازد که هدف اولیه آنها گسترش ترس و وحشت بین جمعیت غیرنظامی است. همچنین در وضعیت اشغال، ماده (۴۹) کنوانسیون چهارم ژنو به ممنوعیت کلی انتقال اجباری فردی یا گسترده افراد هم در کشور اشغال شده و هم ورای مرزهای آن، چه به داخل سرزمین قدرت اشغالی چه به دول ثالث اشاره دارد (مگر در صورتی که امنیت اهالی و یا ضرورت‌های عالیه نظامی ایجاب کند). ضمن اینکه دریافت کمک‌های بشردوستانه برای بقا و حیات جمعیت غیرنظامی نیازمند (خصوصاً آوارگان)، ضروری بوده و مطابق حقوق بشردوستانه حق آنهاست. به همین منظور کنوانسیون چهارم ژنو در ماده (۳۰) به این موضوع اشاره کرده است که غیرنظامیان برخوردار از این حق می‌توانند از قدرت حامی، کمیته بین‌المللی صلیب سرخ و هر سازمان دیگری که توان و امکانات داشته باشد، آن را درخواست کنند. همچنین پروتکل اول الحاقی نیز چنین حقی را در ماده (۷۰) برای آنان به رسمیت شناخته است. در رابطه با سرزمینهای اشغالی نیز کنوانسیون چهارم در ماده (۲۳)





قوای اشغالگر را موظف کرده تا همه توان خود را برای تسهیل در رسیدن کمکهای بشردوستانه به کار برند و طرفهای دیگر نباید عمداً مانع رساندن کمکهای بشردوستانه به غیرنظامیان شوند (اسفندیاری و میرعباسی، ۱۳۹۳، ۳۵-۸).

۳-۲-۲. حمایت از آوارگان در مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی

جنگ‌های داخلی هم به اندازه جنگ بین دولتها می‌توانند تاثیرگذار باشند و چالشی را که متوجه حقوق بشر می‌کنند را نباید نادیده گرفت. در بیشتر مواقع مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی، خاستگاه قبیله‌ای، نژادی و مذهبی دارند و موجب ایجاد گروههای وسیعی از آوارگان می‌شوند (شریفی طرازکوهی، ۱۳۹۰: ۲۵۲). ماده (۳) مشترک کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو، به عنوان هسته اصلی مقررات مربوط به مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی است. به علاوه پروتکل دوم الحاقی نیز به این نوع مخاصمات اختصاص دارد (ضیائی بیگدلی، ۱۳۹۴: ۳۳). مطابق با ماده (۳) مشترک، مخاصمین در یک منازعه مسلحانه غیر بین‌المللی باید با افرادی که مستقیماً در جنگ شرکت ندارند به انضمام افرادی که سلاح را بر زمین گذاشته‌اند و یا کسانی که به هر علت قادر به جنگ نیستند، بدون تبعیض و بر پایه اصول انسانی رفتار نمایند (اصل رفتار انسانی). همچنین این ماده تعدادی از اعمالی که به حیات و حیثیت اشخاص صدمه می‌زند را مطلقاً ممنوع می‌کند. مهمترین اجزای پروتکل دوم الحاقی ۱۹۷۷ هم که می‌تواند در مورد آوارگان مصداق داشته باشد شامل: بخش دوم پروتکل الحاقی دوم، که در بند (۲) ماده (۴) فهرستی از اقداماتی را ارائه می‌کند (مانند تجاوز به حیات، رفتارهای تحقیرآمیز) که خلاف رفتار انسانی بوده و در هر زمان و مکانی، علیه افرادی که شرکت مستقیم در جنگ نداشته و یا از شرکت در آن دست کشیده‌اند، صورت گیرد ممنوع می‌باشد؛ و در بخش چهارم نیز، مهمترین مقرراتی که آوارگان را تحت حمایت خود قرار می‌دهد عبارتست از: بند (۲) ماده (۱۳) (منع حمله و یا تهدید خشونت‌آمیز علیه غیرنظامیان که هدف اولیه از آن گسترش ترس بین آنان باشد)، ماده (۱۴) (منع به قحطی کشاندن غیرنظامیان و استفاده از آن به عنوان یک شیوه جنگی و ممنوعیت حمله و نابودی اشیای ضروری برای بقای آنها (مانند پناهگاه) و ماده (۱۷) که می‌توان آن را مهمترین ماده برای حمایت از آوارگان دانست و به موجب آن، جابجایی





افراد غیرنظامی به دلایل مرتبط با مخاصمه ممنوع است، مگر آنکه امنیت آنان و یا ضرورت‌های عالی نظامی ایجاب کند. ضمن اینکه افراد غیرنظامی نباید به دلایل مرتبط با مخاصمه مجبور به ترک کشورشان گردند و در نهایت ماده (۱۸) که صراحتاً به ارائه خدمات امدادی از سوی نهادهایی همچون کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در راستای حفاظت از قربانیان مخاصمات اشاره دارد.

۳-۳. حقوق بین‌الملل کیفری

مطابق با اساسنامه دیوان بین‌الملل کیفری، این دیوان صلاحیت رسیدگی به جرائم نسل‌کشی، جنایت علیه بشریت، جنایت جنگی و جرم تجاوز را دارد که در این میان، سه مورد اول آثار مستقیم و یا غیرمستقیمی را در زمینه آوارگی به همراه خواهند داشت. تبعید و یا انتقال اجباری اشخاص می‌تواند در شرایطی عنوان جنایت جنگی و یا جنایت علیه بشریت و یا گاه هر دو عنوان را به خود بگیرد، در عین حال چنانچه با سوءنیت و با هدف نابودی همراه باشد، می‌توان آن را نسل‌کشی تلقی نمود (Erin D, 2010: 66). به همین علت در ادامه به بررسی سه جنایت یاد شده در خصوص آوارگان خواهیم پرداخت.

مهمترین قوانینی که مربوط به جابجایی افراد در مخاصمات مسلحانه است که نقض آنها جنایت جنگی قلمداد می‌گردد شامل: در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی، ماده (۴۹) کنوانسیون چهارم ژنو به ممنوعیت انتقال اجباری دسته جمعی و یا انفرادی و همچنین تبعید اشخاص مورد حمایت از اراضی اشغال شده به خاک دولت اشغالگر و یا به خاک هر دولت دیگری می‌پردازد و در مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی، ماده (۱۷) پروتکل دوم الحاقی هرگونه صدور دستور جابجایی جمعیت غیرنظامی به دلایل مربوط به مخاصمه را ممنوع می‌نماید، مگر آنکه به جهت امنیت افراد غیرنظامی و یا دلایل ضروری نظامی رخ دهد. همچنین جنایت علیه بشریت شامل اعمالی است که در یک حمله گسترده و یا سازمان یافته علیه یک جمعیت غیرنظامی ارتکاب می‌یابد (هاشمی، ۱۳۹۳: ۲۰۹). از جمله این اعمال، تبعید و یا جابجایی اجباری جمعیت است که می‌تواند در زمان صلح و یا جنگ بوقوع پیوندد. این مخاصمه ممکن است بین‌المللی و یا غیر بین‌المللی بوده و هم می‌تواند توسط نیروهای دولتی و یا توسط بازیگران غیردولتی ارتکاب یابد. ضمن اینکه اعمال





مشروحه در ماده (۶) اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی که به قصد نابود کردن تمام و یا قسمتی از یک گروه ملی، قومی، نژادی یا مذهبی از حیث همین عناوین ارتکاب می‌یابد، نسل‌کشی محسوب می‌شوند. جرم‌انگاری نسل‌کشی در زمینه حمایت از افراد در مقابل آوارگی به این جهت مهم است که گاه جابجایی افراد به عنوان بخشی از سیاست نسل-کشی مورد هدف قرار می‌گیرد (مانند اخراج و نسل‌کشی مسلمانان در بوسنی).

۴. تعهدات دولت‌ها در قبال حمایت از آوارگان

امروزه تعهدات دولت‌ها در قبال افراد در زمره تعهدات عام و در برخی از موارد آمره به شمار می‌آید که نقض هر یک از این تعهدات موجب مسئولیت بین‌المللی در قبال آن شخص و در کل، در قبال جامعه بین‌المللی خواهد شد. اهمیت این تعهدات (عام) موجب شده تا دیوان در قضیه بارسلونا تراکشن بدان اشاره نماید (میرعباسی و سادات میدانی، ۱۳۸۷: ۴۰). از این رو دولت‌ها در نظام حقوق بین‌الملل و براساس اصول و قواعد آن، تعهداتی نیز در قبال آوارگان دارند که مهمترین آنها؛ ابتدا تعهد به حمایت و ممانعت از گسترش آوارگی و سپس تعهد به پذیرش آوارگان است. نقض این تعهدات ممکن است منجر به نقض تعهدات بین‌المللی آنان شده و موجبات مسئولیت بین‌المللی را برای برایشان فراهم سازد.

۴-۱. تعهد به حمایت و ممانعت از گسترش آوارگی

یکی از مهمترین تعهدات دولت‌ها در قبال آوارگان، تعهد به حمایت و ممانعت از گسترش آوارگی می‌باشد. از این رو مسئولیت حمایت، ارائه راهکار برنامه‌ریزی شده‌ای برای این است که جایگزینی مناسبی برای مفهوم چالش برانگیز «مداخله بشردوستانه» باشد (هاشمی و دعاگو، ۱۳۹۸: ۸۹). این مسئولیت در سطح نخست (داخلی) مربوط به دولت است که باید به تعهدات حقوق بشری خود در قبال شهروندانش عمل نموده و امنیت آنان را تأمین نماید و سطح دوم (خارجی) نیز به مسئولیت و پاسخگویی دولت در مقابل جامعه بین‌المللی در مورد سطح نخست مربوط می‌شود که عدم ایفای چنین مسئولیتی از سوی دولت مسئول می‌تواند معجوزی را برای مداخله بین‌المللی فراهم نماید. در این راستا سران





دولتها در سند اجلاس جهانی سال ۲۰۰۵ پذیرفتند که: اولاً) هر دولتی مسئولیت حمایت از مردمانشان را در برابر چهار جرم نسل‌کشی، جنایت جنگی، پاکسازی نژادی و جنایت علیه بشریت به عهده دارد، ثانیاً) جامعه بین‌المللی مسئول است تا به توانمندسازی دولتها و ایفای مسئولیت از سوی آنها مساعدت نماید و ثالثاً) چنانچه دولتی آشکارا از ایفای مسئولیتش خودداری نموده و یا دلایلی به آن توجه نشان ندهد، جامعه بین‌المللی مسئول است تا اقدامات جمعی به موقع و قاطعی را از طریق شورای امنیت سازمان ملل به انجام برساند. (Word Summit Outcome Document, 2005, A/RES/60/19). در واقع مسئولیت حمایت بر سه محور؛ پیشگیری، واکنش و بازسازی به عنوان عناصر سازنده مسئولیت استوار است (The Responsibility to Protect Known as ICISS Report).

۴-۱-۱. مسئولیت مقامات ملی

مسئولیت حمایت از آوارگان در داخل کشور، در وهله اول به عهده دولتها می‌باشد که چنین حمایتی از سوی کشورها به عنوان عملکردی حاکمیتی شناخته می‌شود (رکن اول مسئولیت حمایت). با این وجود، گاهی دولت مسئول در حمایت از آوارگان ناتوان بوده و حتی خود سبب آوارگی شهروندان می‌شود. در این مواقع نیز نقش جامعه بین‌المللی تنها تقویت‌کننده و مکمل حمایت مقامات ملی است و به هیچ وجه جایگزین مسئولیت ملی نمی‌شود.

۴-۱-۲. مسئولیت جامعه بین‌المللی

مسئولیت جامعه بین‌المللی به موجب سند اجلاس جهانی (۲۰۰۵) و رکن دوم مسئولیت حمایت را می‌توان در قالب تشویق و یاری دولتها به اجرای تعهدات خود براساس رکن اول مسئولیت حمایت و کمک به آنها در ایجاد ظرفیت‌هایی برای پیشگیری از جرائم تحت پوشش آن دانست. از این رو جامعه بین‌المللی می‌تواند به اشکال مختلفی به دولتها کمک نموده تا بتوانند با پرداختن به اسباب ریشه‌ای آوارگی از وقوع احتمالی آن جلوگیری نمایند. در این زمینه استراتژی‌های پیشگیرانه، اقداماتی برای ارتقای حقوق بشر، بهبود حقوق اقلیت‌ها، ارائه کمک‌های توسعه‌ای به دولتها، پشتیبانی از آنها در به زمامداری، احترام به حقوق بشر و حاکمیت قانون، میانجی‌گری و تلاش برای برقراری صلح و سازش و یا





حتی گاهی در قالب اقدامات تنبیهی می‌تواند صورت گیرد (International Commission on Intervention and State Sovereignty, 2001: 35) اما زمانی که دولتی آشکارا از مسئولیت خود در حمایت از جمعیت‌اش سرباز زده و پیشگیری بی‌ثمر بماند، آنگاه تدابیر کمکی جامعه بین‌المللی تحت رکن دوم مسئولیت حمایت فایده‌چندانی نخواهد داشت و جامعه بین‌المللی به موجب رکن سوم استراتژی مسئولیت حمایت، مسئولیت می‌یابد تا توسط تدابیر مسالمت‌آمیز فصل ششم منشور ملل متحد و همکاری سازمان‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای بر اساس فصل هشتم منشور و تدابیر قهری پیش‌بینی شده به موجب فصل هفتم منشور، به بحران رخ داده واکنشی قاطع و به موقع را نشان دهد.

۴-۲. تعهد به پذیرش آوارگان

قواعد و تعهدات حقوق بشر و حقوق بشردوستانه، عمدتاً به حقوق عرفی و اصول کلی حقوقی تعلق دارند. این حقوق و آزادی‌های بنیادین بشری (آنچه لازمه بقا و زیست اجتماعی انسان است) به هیچ وجه و تحت هیچ شرایطی؛ قابل عدول، رزرو و اعتراض نیستند. از این رو بر اساس حقوق بین‌الملل، برخی از اصول می‌تواند تحت عنوان «قواعد آمره» طبقه‌بندی شود که «تعهدات نسبت به جامعه بین‌المللی به طور کلی» را بر دولتها تحمیل می‌کند. بر اساس رأی دیوان در قضیه بارسلونا تراکشن، چنین تعهداتی در حقوق بین‌الملل معاصر از غیرقانونی دانستن تجاوز، کشتار جمعی و نیز از اصول و قواعد مربوط به حقوق بنیادین شخص انسان ناشی می‌شود. به همین علت تبعیت دولتها از قواعد عرفی در رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه نیکاراگوئه (۱۹۸۶) مورد تأیید قرار گرفته است (رستم زاده، ۱۳۸۴: ۳۵-۱۲).

با این وجود، بر اساس حقوق بین‌الملل عرفی هیچ دولتی نمی‌تواند ادعا نماید اتباع وی حق ورود و اقامت در سرزمین یک دولت خارجی را دارند و مسئله پذیرش آوارگان در حوزه تشخیص دولتها قرار داشته و آنها به دلیل حاکمیت سرزمینی‌شان، صلاحیت عدم پذیرش آوارگان در کل یا بخشی از سرزمین خود را دارند، مگر اینکه در این خصوص





موافقت‌نامه‌هایی بین دولتها منعقد شده باشد. در نتیجه هر دولتی با توجه به مصلحت خود تصمیم گرفته و حق دارد شرایطی در مورد معیارهای پذیرش آوارگان یا ممانعت از ورود آنان را در نظر بگیرد. اما امروزه به طور کلی از دید قواعد عرفی حقوق بین‌الملل در مورد پذیرش آوارگان باید گفت که دولتها حق ندارند در شرایط عادی و صلح و آرامش از ورود اتباع یک کشور خاص به کشورشان جلوگیری کرده یا از دادن روایت به دلیل رنگ پوست یا اعتقادات مذهبی امتناع کنند. (مستقیمی، ۱۳۶۷: ۶۳۵). در این زمینه برای پی بردن به عرفی بودن پذیرش آوارگان می‌توان از مفاد سندی که کمیسیون حقوق بین‌الملل در خصوص شناسایی حقوق بین‌الملل عرفی در سال ۲۰۱۸ منتشر کرده، بهره برد (International Law Commission, 2018) در این رابطه یکی از مهمترین دلایلی که به عرفی بودن این موضوع اشاره دارد، تکرار این موضوع در معاهداتی است که با مشارکت گسترده دولتها همراه بوده است. از جمله در کنوانسیون آفریقایی پناهندگان (۱۹۶۹) تصریح گردیده است که نباید هیچ فردی را به واسطه طرد کردن در مرزها یا اخراج، در وضعیتی قرار داد که مجبور به بازگشت به کشوری شود که آزادی یا حیاتش به مخاطره می‌افتد (The Organization of Africa Unity Convention Governing the Specific Aspects of Refugee Problems in Africa (1969), Article 2 (3)). موضوع به انحای مختلف در برخی دیگر از اسناد بین‌المللی مانند کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر (۱۹۶۹)، کنوانسیون منع گروگانگیری (۱۹۷۹) و اعلامیه کارتاگنا (۱۹۸۴) مورد تأکید قرار گرفته است. خصوصاً اعلامیه اخیر که همچون کنوانسیون آفریقایی با ارائه تعریفی گسترده‌تر از تعریف کنوانسیون ۱۹۵۱ و مطابق با نیازهای خاص منطقه آمریکای مرکزی، شرایط را برای تغییر و تحولات لازم در اسناد بین‌المللی جهت حمایت از گروههای وسیعی از پناهندگان فراهم می‌کند (Plaku et al, 2012: 4-5) و شامل کسانی می‌شود که از کشورشان به علت خشونت‌های جمعی، تجاوز خارجی، درگیری‌های داخلی، نقض گسترده حقوق بشر و ... آواره گشته‌اند (Cartagena Declaration on Refugees, 1984). به علاوه در کنار این منابع سخت الزام‌آور، در بسیاری از قطعنامه‌های مجمع عمومی و شورای امنیت نیز به صورت پیوسته از منع بازگرداندن اجباری (در واقع پذیرش)





آوارگان و پناهجویان حمایت شده است، به طوری که مجمع عمومی در برخی از قطعنامه‌های خود از دولت‌ها می‌خواهد تا به منع بازگرداندن اجباری به عنوان یک اصل غیر قابل تخطی احترام بگذارند (General Assembly Resolutions, A/RES/51/71, 1997, Para.3; A/RES/52/132, 1997, Para.12) و شورای امنیت نیز بر چنین الزامی بارها صحه گذاشته است (Security Council Resolutions 1456 (2003), 1535 (2004), 1624 (2004))

از طرفی امروزه نفوذ ارزشهای حقوق بشری موجب شده تا قدرت الزام حق آوارگی به ویژه در شرایط اضطراری (تهدید حق حیات بشر) نسبت به گذشته افزایش یابد و در مسیر تبدیل شدن به یک حق اولیه بشری قرار گیرد. از این رو تعهدات دولت‌ها در قبال افراد در زمره «تعهدات عام‌الشمول»^۱ و در برخی از موارد آمره به شمار می‌آید. در واقع تعهدات عام‌الشمول از جمله تعهدات ناشی از اصول مربوط به حقوق بنیادین شخص انسان است که نه فقط از رضایت قراردادی دولت‌ها، بلکه واقعیت عضویت در جامعه بین‌المللی مستلزم رعایت آنها بوده و رضایت دولت‌ها امری مسلم فرض می‌شود. بنابراین منشأ قدرت الزام آور اصول عام و تعهدات عام‌الشمول، نه در اراده و رضایت دولت‌ها، بلکه در اتخاذ آن اصول و تعهدات از سوی جامعه بین‌المللی است که دولت‌ها را ملزم به رعایت و تضمین حقوق افراد کرده است (رستم زاده، ۱۳۸۴: ۲۸-۱۱).

اما این پرسش وجود دارد که وقتی دولت‌ها با موج هجوم آوارگان مواجه شوند، ملزم به پذیرش آنان در درون سرزمینشان هستند؟ در غیر این صورت آیا در قبال سرنوشت آنان هیچ‌گونه تکلیف حقوقی ندارند؟ در این زمینه باید گفت هر چند هجوم آوارگان وضعیت متفاوت برای اجرایی شدن تعهدات دولت‌ها ایجاد می‌کند (مانند هجوم جمعی آوارگان و پناهجویان هندوراس، گواتمالا و السالوادور از طریق کشور مکزیک در سال ۲۰۱۸ به مرزهای ایالات متحده که با واکنش منفی آن کشور مواجه گشت (Correal et al, 2018: 6-8))، اما به تکالیف اساسی دولت‌ها از جمله رعایت اصل منع بازگرداندن اجباری در مرزها





خداشاهی وارد نخواهد کرد. در نتیجه این موضوع به طور خاص مورد توجه کمیساریای عالی ملل متحد در امور پناهندگان قرار گرفته است (UNHCR, Protection of Refugees in Mass In Flux Situations: Overall Protection Framework, 2001) و از سال ۲۰۱۶ نیز محور ایجاد مهمترین اسناد حقوق بین‌الملل مرتبط با پناهندگی بوده است. مطابق اعلامیه نیویورک برای پناهندگان و مهاجران که در سال ۲۰۱۶ با اکثریت به تصویب دولتها در مجمع عمومی رسید، دولتها کاهش فشار بر جوامع میزبان را از طریق گسترش راه حل دولت ثالث و بهبود شرایط کشورهای مبدأ، جهت تدارک بازگشت ایمن داوطلبانه و با حفظ حرمت را مورد حمایت قرار دادند (Rulker&Kablor, 2016: 8). اعلامیه نیویورک زمینه فعالیتهای بیشتری در مورد بهبود وضعیت این افراد را از طریق وضع دو "برنامه فشرده جهانی" که یکی در مورد پناهندگان و دیگری در مورد مهاجرت منظم، سازمان یافته و ایمن تا سال ۲۰۱۸ ایجاد کرده است (UNHCR, Quick Guide, 2017: 21). بر طبق این اعلامیه، عناصر تعیین کننده در تعریف حرکت گسترده پناهجویی عبارتند از: تعداد افرادی که قصد ورود به کشور را دارند، زمینه اقتصادی، اجتماعی و جغرافیایی محیطی که این حرکت در آن شکل می‌گیرد، ظرفیت پاسخگویی دولت پذیرنده و نهایتاً قابلیت پیش‌بینی یا عدم پیش‌بینی هجوم پناهجویان است (UN General Assembly, A/RES/71/1.2016, para.6). بنابراین از آنجا که در حرکت جمعی از یک طرف، مخاطرات فراوانی متوجه جمعیت انسانی بالاخص زنان و کودکان خواهد بود و از طرف دیگر، فشارهای امنیتی، اقتصادی و اجتماعی زیادی متوجه دولتها می‌شود، از این رو سازوکارهای حمایتی برای دولتها مشخص شده است که عبارتند از:

۱) تعیین وضعیت بر یک مبنای موقت؛ در این ارتباط کمیته اجرایی کمیساریای عالی ملل متحد، دولتهایی را که مقصد نخست پناهجویان هستند را موظف به پذیرش و تعیین وضعیت پناهجویان می‌داند و در صورتی که دولتها نتوانند آنان را در چنین ابعادی بپذیرند، از آنها می‌خواهد که پناهجویان را بر مبنای موقت تحت حمایت پاره‌ای از اصول منجمله





منع بازگردانی از مرزها قرار بدهند (UNHCR, Guidelines on International Protection, 2015, NO.11) در این وضعیت دولت پذیرنده تمام افرادی را که از یک منطقه یا دولت دیگر وارد می‌شوند را به طور موقت می‌پذیرد و تعیین وضعیت نهایی را به زمان دیگری که گاه ممکن است سالها به طول بکشد، موکول می‌کند. بنابراین دولت پذیرنده به دلیل خاص بودن شرایط ناشی از هجوم دسته جمعی می‌پذیرد که موقتاً استانداردهای بالایی که برای تعیین وضعیت آنان در نظر می‌گرفت را تعدیل نماید (Matthew, 2010: 124).

۲) همکاری بین‌المللی؛ هجوم آوارگان بار سنگین و مضاعفی بر دولتها تحمیل می‌کند که راه حل آن جز با همکاری بین‌المللی مقدور نخواهد بود. از این رو دولتها باید با تسهیم بار و مسئولیت از تمامی ابزارهای ضروری از جمله کمکهای مالی، تدارکاتی، اطلاعاتی و ... برای کمک کردن به دولت مقصد آوارگان استفاده کنند. این تکلیف توسط کمیساریای عالی پناهندگان تأیید شده و در پیمان جهانی پناهجویی (۲۰۱۸)^۱ و پیمان جهانی مهاجرت (۲۰۱۸)^۲ نیز مشخص شده است.

بنابراین اگر عدم پذیرش و طرد آوارگان و پناهجویان از سوی دولتی موجب شود تا آنان در معرض خطرانی قرار بگیرند که حیاتشان به خطر بیفتد، در راستای تعهدات حقوق بشری خود نباید به هیچ شکلی آنان را طرد نماید (Luterpacht et al, 2003: 150). در نتیجه به نظر می‌رسد آوارگی در شرایط خاصی (اضطرار) برای افراد را بتوان یک حق (حمایت) به شمار آورد که دولتها ملزم به رسیدگی به وضعیت آوارگان و در صورت احراز شرایطشان، مکلف به پذیرش آنان به دلیل رعایت و تضمین حقوق اولیه انسانها و از جمله «حق حیات بشر» می‌باشند که تعهدی بین‌المللی به شمار می‌آید.





۳-۴. مسئولیت بین‌المللی دولتها در رابطه با نقض حقوق آوارگان

نقض حقوق آوارگان از سوی دولتها و یا ممانعت از ورود و پذیرش آنان به کشورشان در شرایط اضطراری (تهدید حق حیات)، ممکن است منجر به نقض تعهدات بین‌المللی آنان شده و موجبات مسئولیت بین‌المللی را برای برایشان فراهم سازد.

۳-۴-۱. نقض تعهدات بین‌المللی توسط دولتها

نقض یک تعهد بین‌المللی می‌تواند هر دو نوع تعهدات معاهداتی و غیرمعاهداتی را در بر بگیرد، به طوری که ممکن است

ناشی از یک قاعده حقوق بین‌الملل عرفی (مانند اینکه دولتها حق ندارند در شرایط عادی و صلح از ورود اتباع یک کشور جلوگیری کنند)، یک معاهده (مانند حق حیات مندرج در بند ۱ ماده ۶ میثاق حقوق مدنی و سیاسی) یا اصول کلی قابل اعمال در نظم حقوق بین‌الملل باشد (مثل رعایت میزان حداقل حقوق آوارگان) یا دولتها ممکن است از طریق عملی یک‌جانبه یکسری تعهدات بین‌المللی را بپذیرند (مثل تعهد به اسکان یا نگهداری آوارگان). به علاوه مسئولیت دولت می‌تواند از نقض تعهدات دو جانبه یا تعهداتی که در قبال چند دولت یا جامعه بین‌المللی در کل وجود دارد یا از نقض‌های نسبتاً کم اهمیت یا از نقض‌های بسیار جدی تعهدات ناشی از قواعد آمره حقوق بین‌الملل عام ناشی شود (ابراهیم گل، ۱۳۹۶: ۸۸).

۳-۴-۲. طرف صدمه دیده و استناد به مسئولیت بین‌المللی

فعل متخلفانه دولت ممکن است بسته به شرایط به انواع مختلف روابط حقوقی منجر شود. از این رو برخی افعال متخلفانه موجب مسئولیت متخلف در برابر چندین یا بسیاری از دولتها یا حتی در قبال کل جامعه بین‌المللی خواهد شد. دیوان بین‌المللی دادگستری به عنوان نمونه به اصول و قواعد حاکم بر حقوق اساسی شخص انسانی از جمله حمایت در برابر بردگی و تبعیض نژادی، نسل‌کشی و ... اشاره می‌کند. تعهد به پذیرش آوارگان نیز ناشی از این مسئله است که متضرر از آوارگی تنها دو دولت نمی‌باشند، بلکه کل جامعه جهانی خواهد بود (ابراهیم گل، ۱۳۹۶: ۱۷۳-۲۵). بنابراین استناد به مسئولیت نه تنها توسط دولت زیان‌دیده (مطابق ماده ۴۲ طرح ۲۰۰۱ کمیسیون حقوق بین‌الملل)، بلکه ممکن است





توسط سایر دولتها (بر طبق ماده ۴۸ طرح ۲۰۰۱ کمیسیون حقوق بین‌الملل) نیز صورت گیرد. ضمن اینکه رویه قضایی بین‌المللی هم که از طریق تصمیمات، اظهار نظرها خود در روند هنجارسازی و قانونمندی در حقوق بین‌الملل نقش اساسی را ایفا می‌نماید، (ظریف و سجادی‌پور، ۱۳۹۳: ۱۴۷) موید این است که موضوع آوارگان از چنان اهمیتی برخوردار است که حتی دولتها در حمایت از اشخاص بی‌تابعیت، پناهنده و قربانیان نقض-های موازین حقوق بشری و حقوق بشردوستانه می‌توانند تحت شرایطی از این افراد حمایت نمایند (ICJ Report, 1970 Para.33). نسل‌کشی، جنایت علیه بشریت، جنایت جنگی و آپارتاید از جمله اقداماتی است که اگر بر علیه آوارگان رخ دهد، آنگاه هر دولتی می‌تواند به مسئولیت دولت خاطی استناد نماید. به همین علت دیوان بین‌المللی دادگستری در نظر مشورتی خود راجع به کنوانسیون منع ژنوساید تأکید نموده است: «اصولی که شالوده کنوانسیون هستند حتی بدون هرگونه تعهد قراردادی برای دولتها الزام‌آور هستند» (ICJ Report, 1951, para.23 همچنین (در مرحله دستور موقت) در قضیه گامبیا علیه میانمار (۲۰۱۹) بیان می‌دارد که تعهدات مربوط به نسل‌کشی، تعهدات عام‌الشمول بوده و همه دولتها می‌توانند به مسئولیت دولت خاطی استناد نمایند (ICJ, Gambia v. Myanmar, provisional measures, 2019, para. 75&87.)

۵. وضعیت آوارگی در جهان و کشورهای اسلامی

در این مبحث به منظور پی بردن به ابعاد آوارگی، ابتدا به وضعیت و میزان آن در شرایط کنونی جهان و کشورهای اسلامی پرداخته می‌شود و سپس تعهدات موجود در حقوق اسلام برای حمایت از آوارگان مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۵-۱. وضعیت آوارگی در جهان

گزارش‌ها حاکی از بیشتر شدن درگیری‌های مسلحانه در کل جهان می‌باشد، به طوری که شروع بهار عربی از سال ۲۰۱۱ نقطه عطفی در آغاز دور جدیدی از آوارگی‌ها در جهان بوده است. بر پایه تازه‌ترین گزارش سازمان ملل، شمار پناهنجویان و آوارگان در سال





۲۰۱۸ نسبت به دو دهه پیش ۲ برابر شده و تعداد کسانی که در این سال به اجبار سکونتگاه خود را ترک کرده‌اند به ۷۰ میلیون و ۸۰۰ هزار نفر در سراسر جهان رسیده است. جنگ، تغییرات اقلیمی، فقر و بیماری از مهمترین علل آوارگی و مهاجرت محسوب می‌شود که از این بین، خشونت و ناامنی عامل آوارگی نزدیک به ۲۶ میلیون نفر در سراسر جهان است. همچنین آوارگان داخلی با حدود ۴۱ میلیون نفر، بزرگترین گروه آوارگان را تشکیل می‌دهند. به علاوه کماکان تعداد ۳,۵ میلیون نفر پناهجو متقاضی پناهندگی وجود دارد که هنوز پناهنده محسوب نمی‌شوند. سوریه، افغانستان، سودان جنوبی، میانمار، سومالی و یمن کشورهای با بالاترین میزان آوارگی گزارش شده‌اند، به طوری که بیش از دو سوم از جمعیت آوارگان جهان در سال ۲۰۱۸ مربوط به کشورهای مذکور (اسلامی) می‌باشد (www.dw.com/19/06/2019). در سطح منطقه‌ای نیز کشورهای جنوب صحرای آفریقا، خاورمیانه و شمال آفریقا دارای بیشترین میزان آواره بوده‌اند. بر طبق آمارها کشورهای ترکیه، پاکستان، لبنان، ایران، اتیوپی، اردن، کنیا، اوگاندا، چاد و آلمان به ترتیب میزبان بیشترین آواره می‌باشند.

۵-۲. وضعیت آوارگی در کشورهای اسلامی

اکثر آوارگان و مهاجرین اجباری در جهان از کشورهای مسلمان هستند یا در فقیرترین کشورهای مسلمان جهان مستقر هستند. منازعات قومی، درگیری‌های داخلی و بین‌المللی، بلایای طبیعی و اوضاع بد اقتصادی، کشورهای اسلامی را مستعد آوارگی جمعیت انبوهی (بیش از دو سوم آوارگان جهان) کرده است. از مهمترین کشورهای اسلامی که دچار بحران آوارگی شده‌اند می‌توان به سوریه، افغانستان، عراق، یمن، فلسطین، سودان و سومالی اشاره کرد.

علی‌رغم تصدیق و تأیید حقوق آوارگان و پناهجویان از دیدگاه اسلام، حقوق آنان مورد توجه جدی قرار نگرفته و کمک مسلمانان و رویکرد آنها در قبال مسئله جابجایی جمعیت به صورت مسئله‌ای مبهم باقی مانده است. کشورهای مسلمان ممکن است این گونه اقدام خود را موجه جلوه دهند که با تأکید بر اصول اولیه اسلامی در زمینه حفظ حیات، مبارزه با فقر و ارتقاء خودکفایی از طریق توزیع مجدد منابع الهی به شکل بهبود و





امدادهای انسان‌دوستانه، عدم حمایت سرزمینی از آوارگان و پناهجویان را توجیه می‌کند. همچنین بعضی از کشورهای مسلمان ظاهراً توجیحات مشابه برای حمایت جهانی از این گروه را یا مورد توجه قرار نمی‌دهند و یا در مورد آنها اختلاف دارند و یا از آنها بی‌اطلاع هستند. ضمن اینکه علی‌رغم تأیید وجود توانایی‌های بالقوه در جهت حمایت‌های متقابل و افزایش فراوان و متناوب همبستگی و بخشش در شرایط اضطراری یا در زمان آوارگی پرحجم، نیازهای مداوم جمعیت‌های آواره به صورت کافی تأمین نمی‌شود. به علاوه حمایت‌های حقوقی و منطقه‌ای ناکافی در بعضی از کشورهای مسلمان سبب تضعیف امنیت آنان و تمرکز در کشورهای دیگر شده و نتوانسته به توجیحات اسلامی تا آن حدی که برای تقسیم عادلانه مسئولیت به منظور کمک و حمایت از آوارگان و پناهجویان لازم است، توجه داشته باشند. زیرا در مورد سه موضوع اصلی اختلاف نظر و ابهاماتی وجود دارد که به عملی شدن چنین تعهدی مربوط می‌گردد: اول اینکه مطابق با برخی دیدگاهها، مکانیزم‌های رفاهی اسلام فقط در سطح محلی برای آوارگان و پناهجویان قابل اجراست؛ بعضی دیگر اینگونه استدلال می‌کنند که به هر حال کشورهای مسلمان فاقد قابلیت‌های لازم برای کمک به آنان هستند و در نهایت بعضی از تحلیل‌گران معتقدند که منافع ملی و تنش‌های بین‌المللی، دستورات اسلامی مربوط به همبستگی و مسئولیت جمعی برای کمک به افراد نیازمند را تحت الشعاع قرار داده است. (البته ملی‌گرایی نیز در کل سبب ایجاد شکاف و چند دستگی جهان اسلام شده است). در حالی که اسلام به عنوان دینی که در برگیرنده اصول عدالت اجتماعی- اقتصادی است، دستورات خاص مربوط به مقررات مرتبط با آوارگی و پناهجویی را هم در سطح افرادی که بضاعت مالی ندارند و هم برای افرادی که به دنبال امنیت هستند، تثبیت می‌کند. این اصول بنیادین، وظیفه کشورها و مسلمانان را برای کمک و حمایت از اشخاص آواره نشان داده و حقوق آنان را تضمین می‌کند. برخی مقررات اسلامی از جمله زکات، مسئولیت‌های اجتماعی عمومی و اوقاف، چارچوبی عملی را برای شناخت این اصول مرتبط با کمک به آوارگان و پناهجویان ارائه می‌دهند. سومین ستون اسلام یعنی زکات در اموال به کمکها و انفاق اجباری در حق فقرا و در راه مانده‌ها (ابن سبیل) اشاره دارد. علاوه بر زکات، قرآن از میان منابع مختلف برای





حمایت از افراد بینوا به انفاق، صدقه و خمس اشاره می‌کند. در صورت ناکافی بودن درآمدهای ناشی از زکات، دولت باید از صندوق عمومی (بیت‌المال) برای تأمین نیازهای افراد مستمند استفاده کند. در صورت تمام شدن منابع، کشورهای مسلمان دیگر باید از منابع خود افراد فقیر کشور محروم را تأمین کنند. ضمن اینکه ایجاد صندوق خیریه یا وقف وسیله دیگری برای اجرای اصول اجتماعی-اقتصادی اسلامی فراهم می‌کند. همچنین اسلام وظیفه مراقبت از چنین افرادی را در قالب «تکفل» گوشزد می‌کند تا مبادا دچار خطرهای ناشی از نیاز شدید شوند. این مفهوم وقتی در یک مقیاس جهانی بکار می‌رود، سبب ایجاد حمایت‌های متقابل بین کشورها در زمینه مراقبت از آوارگان و پناهجویان خواهد شد. اصول همبستگی، مسئولیت‌های جامعه و اعطای پناه هم به پذیرفتن در مرز و هم به حمایت در داخل کشورهای مسلمان معطوف است. عدم قبول این وظایف می‌تواند باعث قربانی شدن امنیت آنان شده و در نتیجه بطور غیرمستقیم دستورات اسلام را ساقط کند (مقسومی، ۱۳۹۹: <http://www.maqsoumi.ir>). بنابراین با توجه به اینکه اعطای پناه خود یک تعهد اخلاقی، دینی و حقوقی می‌باشد، از این رو اسلام برای آوارگان و جامعه مسلمان حقوق و وظایفی را تعیین کرده است که در ادامه به بررسی آن می‌پردازیم.

۳-۵. تعهدات موجود در حقوق اسلام برای حمایت از آوارگان

شریعت اسلام از همان آغاز پیدایش، حمایتی حداکثری و نظام‌مند را به آوارگان و پناهجویان ارائه داده است. در این زمینه منابع اسلامی اعم از آیات قرآن کریم، روایات، سیره پیامبر(ص) و ائمه اطهار(ع) و آرای فقها و حقوقدانان بر این حمایت با حداقل مستثنیات تأکید دارند. هر چند در فقه عنوانی به نام «آوارگی» و «پناهندگی» وجود ندارد، اما به جای آن از عباراتی نظیر امان، استیمان، زنهار، جوار، هجرت و معاهد استفاده شده است (سیدفاطمی، ۱۳۷۴: ۱۵۸). یکی از پرارجاع‌ترین آیات و مستند شرعی در این زمینه، آیه ۶ سوره توبه است که برخی از فقها برای تجویز پناه به آن استناد کرده‌اند. در این آیه آمده است: «اگر یکی از مشرکان از تو پناه خواست او را پناه بده تا کلام خدا را بشنود، پس او را به مکانی امن که می‌خواهد برسان». در واقع این آیه شریفه، مهلت دادن به کفار را جزئی از مسئولیت‌های دولت اسلامی دانسته و بر تکلیف دولت اسلامی در پذیرش





پناهجویان و آوارگان دلالت دارد (سنجری، ۱۳۸۹: ۷۲-۴۵). از این رو همه کسانی که به موجب آیه ۷۵ سوره نساء، خداوند متعال مسلمانان را به دفاع از آنان فراخوانده، مشمول چنین حقی می‌شوند. به همین منظور در این مبحث تعهدات موجود در حقوق اسلام برای حمایت از آوارگان در زمینه حقوق بشر و بشردوستانه مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۵-۳-۱. حمایت‌های حقوق بشری اسلام از آوارگان

حقوق بشر از دیدگاه اسلام مبتنی بر مبانی اصیلی است که تمایلات شخصی و نفسانی در آن راه ندارد. گستردگی این حقوق شامل تمام حوزه‌ها و ساحت‌های زندگی بشر می‌شود. ویژگی دیگر حقوق بشر اسلامی اشتراک یک سلسله حقوق اساسی بین همه انسانها اعم از مسلمان و غیرمسلمان است که می‌توانند از آن بهره‌مند شوند. از این رو اسلام در حدود ۱۴ قرن پیش مفاهیم وسیع سیاسی، اقتصادی و اجتماعی درباره حقوق بشر را مطرح کرده و برای همه انسانها یک سلسله حقوق مشترک در نظر گرفته است (سیاحت اسفندیاری، ۱۳۹۵: ۱۲). مهمترین حقوقی که به حمایت از آوارگان نیز می‌پردازد شامل:

الف) حق حیات شایسته: حیات، عطای خداوندی است و حق حیات برای همه انسانها تضمین شده است و همه دولت‌ها و افراد مکلفند به حمایت و دفاع از حق حیات در مقابل هرگونه تعدی و وارد شدن هرگونه اخلال بر بقای طبیعی آن، مانند بیماریها و بلاهای طبیعی و انسانی هستند. قرآن مجید برای جان افراد ارزش فراوانی قائل شده است، به طوری که قتل نفس را بدون مجوز قانون گناهی بزرگ دانسته (انعام: ۱۵۱) و حیات و مرگ یک انسان را مساوی با حیات و مرگ همه انسانها می‌داند و می‌فرماید: «مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا» (مائده: ۳۲). همچنین در حالت جنگ و نزاع‌های مسلحانه جایز نیست کشتن کسانی که در جنگ و نزاع شرکت نکرده‌اند.

ب) حق برخورداری از کرامت انسانی: کرامت انسان از اصول و پایه‌های مسلم و قطعی اسلام به شمار می‌رود و منابع اسلامی گواه این موضوع می‌باشد. خداوند انسان را شریف‌ترین و ارزشمندترین مخلوق هستی معرفی کرده و در آیه ۷۰ سوره اسرا تأکید می‌کند: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْوُجُوهِ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ





مَمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا». آنچه از نظر این آیه مهم است این است که هر انسانی دارای شخصیت و کرامت است (طباطبایی، ۱۴۰۲: ۱۶۵). از این رو می‌توان از آن در مورد رفتار تکریم‌آمیز با تمام انسانها و از جمله آوارگان بهره گرفت، زیرا خداوند انسان را مورد تفضل قرار داده و آن را منحصر به مسلمان و مومن نکرده، بلکه حتی مشرکین و کفار را مد نظر قرار داده است (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۵۹: ۲۰۱). در نتیجه خداوند در قرآن کریم انسان را اشرف مخلوقات، خلیفه الهی، مسجود فرشتگان، کسی که دارای علم اسماء (بقره: ۳۴-۳۰) و امانتدار الهی (احزاب: ۷۲) و تکریم و تفضل خداوند نصیب او شده (اسراء: ۷۰) می‌داند و انسانها را از توهین عیب جویی و ... نهی می‌کند (سنجری، ۱۳۸۹: ۷۲-۴۵).

ج) حق برابری و عدم تبعیض: خداوند در آیه ۳۰ سوره بقره، انسان را شایسته سجده ملائکه و او را برترین خلقتش و جاشین خود در روی زمین معرفی می‌کند (هاشمی، ۱۳۹۳: ۱۱۰). بر اساس همین قاعده است که از دیدگاه اسلام، تبعیض نژادی محکوم است و هیچ قوم و قبیله و تبار و ملتی بر اقوام و ملل و نژادهای دیگر برتری و فضیلت فیزیکی و اجتماعی و حقوقی ندارد و ملائک فضیلت انسان در اسلام، خود انسان؛ یعنی تقواست «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ» (حجرات: ۱۳). بنابراین از آنجا که آوارگان نیز جزو جوامع بشری هستند و مخلوق خداوند، از این رو نباید آزادی و کرامت آنان خدشه دار شود یا مورد تبعیض قرار گیرد (وزیری و حمیسی، ۱۳۸۷: ۳۸۰-۳۶۳).

د) حق آزادی و امنیت فردی: در حقوق اسلام هر کس حق زندگی آزادی و امنیت شخصی دارد. از نظر اسلام همه انسانها آزاد آفریده شده‌اند و حق دارند آزاد زندگی کنند. حضرت علی (ع) در این مورد فرمودند: «و لا تَكُنْ عَبْدَ غَيْرِكَ وَ قَدْ جَعَلَكَ اللَّهُ حُرًّا»؛ بنده دیگری مباش زیرا که خداوند تو را آزاد آفریده است. همچنین جایز نیست گرفتن و بازداشت کردن انسان یا مقید ساختن آزادی، یا تبعید، یا کیفر دادن او بدون علت شرعی. (اشرافی، ۱۳۹۵: ۵۲-۳۷). از این رو اسلام بر حق زیستن در محیط انسانی تأکید دارد و آن را از حقوق معنوی انسانها می‌داند. قرآن کریم فتنه‌انگیزی در اجتماع بزرگتر از قتل و خونریزی بر شمرده شده است (بقره: ۱۹۱ و ۲۱۷). ضمن اینکه مستأمن در مدتی که در





دارالامان حضور دارد دولت اسلامی مکلف به حفظ امنیت وی بوده و از آزادی درانجام فرایض مذهبی برخوردار می‌باشد (کیانی زاده و دیگران، ۱۳۹۸: ۹۷-۸۳).

ه) منع شکنجه و رفتارهای تحقیرآمیز: اسلام با شکنجه و آزار انسان و هتک حیثیت او مخالف است و در اسلام زندگی هر شخص مصون از تعرض بوده و تجاوز به حیات یا تمامیت جسمی بشر جرم است و مجازات دارد. از این رو اسلام به بهترین نحو، نه تنها حقوق اقلیتها، بلکه حقوق بیگانگان را تأمین نموده است و تمام آنچه را که به حداقل حقوق انسانی برای بیگانگان معروف شده است، برایشان تحت لوای حکومت اسلام به رسمیت شناخته است. پیامبر (ص) در این مورد می‌فرماید: «مَنْ آذَى ذِمِّيًّا فَقَدْ آذَانِي» هر کس اهل ذمه را آزار رساند، مرا آزار رسانده است. (حرعاملی، ۱۴۰۱: ۲۵۳).

و) حق آزادی رفت و آمد و انتخاب اقامتگاه: بیگانگانی که به کشور اسلامی وارد می‌شوند از حق داشتن اقامتگاه و آزادی در انتخاب آن و عبور و مرور بجز در مناطقی محدودی برخوردارند (سنجری، ۱۳۸۹: ۷۲-۴۵). ضمن اینکه بر اساس عقد امان، مستأمنین حق تردد در داخل دارالامان را دارند. همچنین در اسلام آیات و روایات متعددی بر حق مسکن و مصونیت آن دلالت دارد. از دیدگاه اسلام جهان ملک خدا و خانه همه افراد بشر و نیز مواهب و نعمتهای موجود در آن برای زندگی همه آنهاست و هر کس هر جا بخواهد می‌تواند مسکن گزیند. قرآن کریم می‌فرماید: او کسی است که زمین را برای شما رام قرار داد پس در پستی و بلندی‌های آن حرکت کنید و از نعمتهای او بهره‌مند گردید (ملک: ۱۵). در مورد آزادی مهاجرت نیز، خداوند به منظور رهایی افراد از ظلم حاکم، در آیه ۷۵ سوره انفال امر به مهاجرت کرده و فرماید: «کسانی که ایمان آورده و هجرت نموده و در راه خدا جهاد کردند و آنها که پناه دادند و یاری کردند مومنان حقیقی‌اند، برای آنها آموزش و روزی شایسته است» (هاشمی، ۱۳۹۳: ۲۹۶).

و) حقوق اقتصادی اجتماعی و فرهنگی: دین اسلام هم مولفه‌های حقوق بشر را در خود دارد و هم به زوایای اقتصادی- اجتماعی آن توجه خاصی نموده است. فقه اسلامی به عنوان سلسله احکام صدور قوانین در اسلام بر اساس قواعد خاصی به ساماندهی ابعاد اقتصادی حقوق بشر توجه می‌کند که مهمترین این قواعد عبارتند از: قاعده نفی سبیل





(نسا: ۱۴۱؛ منافقون: ۸)، قاعده عسر و حرج (بقره: ۲۸۰)، قاعده لاضرر (بقره: ۲۳۳)، قاعده احسان (توبه: ۹۱؛ الرحمن: ۶۰). همچنین بر اساس اصول خاصی مانند رعایت اصل برابری، رعایت حقوق اقلیتها و غیرمسلمانان، مبارزه با استثمار و بهره‌کشی (نساء: ۱۳۵) و توجه به مناسبات اجتماعی برابر و عادلانه به سامان دهی ابعاد اجتماعی حقوق بشر می‌پردازد (توتونچیان، ۱۳۹۸: ۷۱-۵۸)

۵-۳-۲. حمایت‌های حقوق بشردوستانه اسلام از آوارگان

دین مبین اسلام دارای احکام و قواعد گسترده‌ای در زمینه حقوق بشردوستانه بوده که قبل از آن که در مقررات لاهه و کنوانسیونهای ژنو به صورت مدون و موضوع تدوین قرار گیرد، در حقوق اسلامی سابقه دیرینه دارد (فقیه حبیبی، ۱۳۹۵: ۸۳). این حقوق در مرتبه نخست مبتنی بر آن دسته از آیات قرآن به ویژه آیات ۱۹۴-۱۹۰ از سوره بقره و آیات ۱۰۲-۱۱۰ از سوره آل عمران است که به گفتار و کردار پیامبر مربوط می‌شود و در نهایت مبتنی بر قواعد استنباط شده از اصول اساسی پنج‌گانه نظام حقوقی اسلامی می‌باشد (اشرافی، ۱۳۹۵: ۵۲-۳۷). بنابراین قواعد حقوق بشردوستانه بخشی از شریعت اسلامی و در زمره احکام الهی است که به عنوان عهد الهی برای مسلمانان و دولت اسلامی ایجاد الزام کرده است. در نتیجه بی‌تردید دولت اسلامی و هر مسلمانی در مخاصمات مسلحانه موظف به رعایت قواعد و احکام انسان دوستانه اسلام است (فضائلی، ۱۳۹۸: ۹۱۸-۸۹۷). مهمترین این اصول و قواعد که مرتبط با آوارگان نیز بوده و به حمایت از آنان می‌پردازد عبارتند از: الف) اصل تفکیک بین نظامیان و غیرنظامیان: از نظر اسلام، اصل تفکیک میان نظامیان و غیرنظامیان خاستگاه وحیانی دارد، به طوری که بر اساس حقوق و آموزه‌های اسلامی کشتار غیرنظامیان منع شده است. قرآن کریم در آیه ۱۹۰ سوره بقره می‌فرماید: «در راه خدا با کسانی که با شما می‌جنگند، نبرد کنید و از حد تجاوز نکنید که خدا تجاوزکنندگان را دوست نمی‌دارد». در این آیه دستور مقاتله و مبارزه فقط با کسانی که دست به اسلحه برده و با مسلمانان وارد جنگ شده‌اند، صادر شده است (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۵۹: ۹)، اما تمام کسانی که در جنگ مشارکت ندارند از آسیب و تعرض مصون می‌باشند و حتی در مبارزه با دشمن باید به گونه‌ای عمل کرد که افراد حاشیه‌ای و غیر مربوط به جنگ





(مانند آوارگان) از حمایت ویژه برخوردار شوند. از این رو در متون اسلامی به مصونیت افراد غیرنظامی (خصوصاً کودکان، زنان، پیران، بیماران، مجروحان و ...) تصریح شده است (محقق داماد، ۱۳۸۳: ۵۷-۵۵). در نتیجه فقهای اسلامی اعم از شیعه و سنی یک قاعده فقهی تأسیس کرده‌اند که بر اساس آن افراد غیرنظامی کشته نمی‌شوند (نگهداری، ۱۳۸۶: ۳۳-۴۶).

ب) اصل رعایت تناسب: بر اساس این اصل، صدمات اتفاقی ناشی از یک حمله در مقایسه با مزیت نظامی مستقیم و قطعی حاصل از آن عملیات باید متناسب باشد (عمید-زنجانی و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۲۸). قرآن به مسلمانان اجازه می‌دهد تا در مقابل غیر مسلمانان فقط به همان صورت و اندازه که مورد تجاوز قرار می‌گیرند از خود دفاع کنند و به آنها اجازه زیاده‌روی یا ظلم و تعدی نمی‌دهد (بقره: ۲۰). از نظر قرآن کریم، مسلمان در هر شرایطی، به ویژه شرایط جنگی باید مواظب رفتار خود بوده و مرتکب اقدامات فسادانگیز نشده و اصل تناسب را رعایت کنند (بقره: ۱۹۴؛ انفال: ۵۹؛ شورا: ۴۰؛ مائده ۸ و ۴۵). بنابراین نهی از زیاده‌روی در جنگ (بقره: ۱۹۰)، بازتاب رعایت اصل تناسب در جنگ است و پرهیز از اقدامات ممنوعه در جنگ، مقتضای اصل تناسب در منازعات مسلحانه بوده و تعدی از آن بدون مصلحت اهم، ممنوع است (سلیمی، ۱۳۹۸: ۳۴۲).

ج) اصل یاری رساندن به انسانها: در این زمینه به دو دسته از آیات قرآن می‌توان استناد کرد؛ یک دسته آیاتی که دلالت دارند بر وظیفه یاری‌رسانی به مسلمانانی که مورد ظلم و تعدی از سوی گروهی دیگر از مسلمانان یا از سوی غیرمسلمانان قرار گرفته‌اند. از جمله می‌توان به آیه ۷۲ سوره انفال اشاره کرد (طباطبایی، ۱۴۰۲: ۱۴۵). دسته‌ای دیگر، آیاتی هستند که وظیفه یاری دادن به همه زنان و مردان تحت ستم را در بر می‌گیرند. آیه ۷۵ سوره نساء از این جمله است. بنابراین اعطای پناه از مصادیق یاری رساندن و حمایت از آنان به شمار می‌رود که به دلالت اولویت بر دولت اسلامی لازم است. در حدیث نبوی نیز آمده است که هر کس ندای یاری طلبی انسانی را بشنود و او را اجابت نکند مسلمان نیست (کلینی، ۱۴۱۸: ۱۶۴). هر چند این روایت منحصر در خصوص آوارگان و پناهجویان وارد نشده است، اما روشن است که این گروه از بارزترین مصادیق مظلومان هستند و بر هر





مسلمان به ویژه دولت اسلامی لازم است تا به آنها پناه دهد و از همه امکانات خویش برای رفع ظلم از آن استفاده کند. (موسی زاده و کهریزی، ۱۳۹۴: ۵۶-۳۹)

د) اصل احسان (تعاون در نیکی و تقوا): بر اساس این اصل مسلمانان موظفند در کارهای نیک همکاری کنند (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۵۹: ۲۵۶). قرآن کریم در آیه ۲ سوره مائده می‌فرماید: «وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ» بر نیکی و تقوا کمک کنید. از آنجا که اعطای پناه به متقاضیان آن از مصادیق نیکی به شمار می‌آید و امر خداوند متعال نیز در این آیه دلالت بر وجوب و تکلیف می‌کند، شاید بتوان تکلیف بودن پناه دادن از طرف دولت اسلامی را با در نظر گرفتن مصالح عمومی مسلمانان و جامعه اسلامی و امکانات آن استنباط کرد. همچنین امام صادق (ع) فرمودند: «انسانی که در فکر یاری رساندن به مردم است، خدا او را یاری می‌کند» در آیه ۹ سوره نحل نیز خداوند می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَ...» و خداوند فرمان به عدل و احسان می‌دهد. با توجه به اینکه فرمان خداوند به احسان شامل پناه دادن به افراد نیازمند با رعایت عدالت به طور کلی در همه امور است، از این رو می‌تواند شامل آوارگان نیز شود. (وزیری و حمیسی، ۱۳۸۷: ۳۶۳-۳۸۰).

نتیجه‌گیری

امروزه تعهدات دولتها بر اساس اصول و قواعد حقوق بین‌الملل در برابر افراد در زمره تعهدات عام و در برخی از موارد آمره به شمار می‌آید. از این رو دولتها در قبال آوارگان نیز تعهداتی دارند که مهمترین آنها، ابتدا تعهد به حمایت و ممانعت از گسترش آوارگی و سپس تعهد به پذیرش آوارگان است. هر چند نداشتن پشتوانه اجرایی برای حقوق و مقررات آوارگی موجب شده تا مسئله پذیرش آوارگان در حوزه تشخیص دولتها قرار گرفته و آنها به دلیل حاکمیت سرزمینیشان با توجه به مصلحت خود و گاه ملاحظات سیاسی تصمیم بگیرند، اما به طور کلی از دید قواعد عرفی حقوق بین‌الملل باید گفت که دولتها حق ندارند در شرایط عادی و صلح از ورود آوارگان به کشورشان جلوگیری کنند. ضمن اینکه امروزه نفوذ ارزشهای حقوق بشری موجب شده تا قدرت الزام حق آوارگی به ویژه در شرایط اضطراری (تهدید حیات بشر) نسبت به گذشته افزایش یافته و در مسیر





تبدیل شدن به یک حق اولیه بشری قرار گیرد. بنابراین به نظر می‌رسد آوارگی در شرایط اضطراری برای افراد را بتوان یک حق (حمایت) و نسبت به دولت‌ها را یک تکلیف (تعهد) بین‌المللی به شمار آورد، به طوری که دولت‌ها ملزم به رسیدگی به وضعیت آوارگان و در صورت احراز شرایطشان، مکلف به پذیرش آنان به دلیل رعایت و تضمین حقوق اولیه انسانها هستند. در نتیجه نقض حقوق آوارگان از سوی دولت‌ها و ممانعت از ورود و پذیرش آنها به کشورشان، ممکن است منجر به نقض تعهدات بین‌المللی آنان شده و موجبات مسئولیت بین‌المللی را برای دولت خاطی فراهم سازد.

جنگ یا درگیری مسلحانه یکی از علل مهم و اساسی آوارگی است که در اکثر اوقات زمینه را برای آوارگی افراد فراهم می‌سازد. امروزه درگیری‌های داخلی از پرشمارترین نوع مخاصمات مسلحانه محسوب شده و اغلب در خلال آنهاست که موج‌های عظیمی از آوارگان ایجاد می‌شوند. به علاوه حوادث و بلایای طبیعی مانند خشکسالی و قحطی، زلزله و سیل و یا فقر و بیکاری و وضعیت بد اقتصادی کشورها از جمله علل دیگری هستند که افراد را وادار به ترک خانهایشان می‌سازد.

آوارگان از حمایت‌های عام موجود در نظام حقوقی بین‌المللی در شاخه‌های حقوق بشر، حقوق بشردوستانه و حقوق کیفری بین‌المللی بهره‌مندند. از این رو اعمال ارتكابی علیه آنان (به ویژه در زمان مخاصمات مسلحانه مانند تبعید و جابجایی اجباری)، نه تنها به موجب حقوق بشر و حقوق بشردوستانه ممنوع گردیده است، بلکه در قلمرو حقوق کیفری بین‌المللی نیز قابل مجازات می‌باشد. با این حال آوارگان هنوز هم از یک نظام حقوقی حمایتی ویژه (برخلاف پناهندگان) برخوردار نیستند. در نتیجه با توجه به اهمیت حقوق آنان، حمایتها عام موجود موردی و ناکافی بوده و مستلزم مداخله بیشتر و فعالانه‌تر نظام حقوق بشر سازمان ملل و دیگر نهادهای حقوق بشری می‌باشد.

شریعت اسلام نیز، حمایت حداکثری و نظام‌مند را به آوارگان و پناهجویان ارائه داده است، به طوری که قرن‌ها پیش مفاهیم وسیعی درباره حقوق بشر را مطرح کرده و برای همه انسانها یک سلسله حقوق مشترک در تمام حوزه‌ها و ساحت‌های زندگی بشر در نظر گرفته است. همچنین دارای احکام و قواعد گسترده‌ای در زمینه حقوق بشردوستانه بوده که به





عنوان عهد الهی برای مسلمانان و دولت اسلامی ایجاد الزام کرده است. بنابراین از آنجا که اعطای پناه از مصادیق نیکی و احسان به شمار آمده و امر خداوند نیز در آیات قرآن (توبه: ۶) دلالت بر وجوب و تکلیف می‌کند، از این رو می‌توان تکلیف بودن پناه دادن به آوارگان و حمایت از آنان را در اسلام استنباط کرد.

وضعیت آوارگی در جهان نشان می‌دهد کماکان کشورهای اسلامی در معرض بیشترین بحران آوارگی قرار دارند که علت عمده آن، خشونت و درگیری‌های داخلی است که در بیشتر مواقع خاستگاه قبیله‌ای، نژادی و مذهبی دارد. از این رو به منظور رفع یا کاهش آوارگی در این کشورها، موثرترین راهکاری پیشنهادی؛ مدیریت تنوع قومی و فرهنگی به منظور ارتقای برابری و احترام به حقوق بشر، آزادی‌های اساسی و ارزشهای دموکراتیک است که مقامات ملی می‌توانند چنین مسئولیتی را با کمک و پشتیبانی جامعه بین‌المللی - خصوصاً سازمان همکاریهای اسلامی و دادن اختیارات بیشتری به آن - انجام دهند. همچنین می‌توان با تهیه و تصویب کنوانسیون اسلامی در زمینه اشخاص آواره، حقوق آنان و تعهدات دولت‌ها را تعیین نمود.

منابع

قرآن کریم

۱) ابراهیم گل، علیرضا، ۱۳۹۶ ش، مسئولیت بین‌المللی دولت، تهران، انتشارات شهر دانش، چ ۹.

۲) احمدی، عیدمحمد، ۱۳۸۰ ش، «حقوق پناهندگان در اسناد بین‌المللی»، نشریه معرفت، ش ۴۹.

۳) اسفندیاری، چنگیز و میرعباسی، سیدباقر، ۱۳۹۳ ش، «حق دسترسی به غذا در مخاصمات از منظر موازین حقوق بین‌الملل»، مجله حقوقی دادگستری، سال هفتاد و هشتم، ش ۸۸.





- (۴) اشرافی، مرتضی، اشرافی، مجتبی، ۱۳۹۵ ش، «بررسی الزامات نگرش نظام مند به کلیت حقوق بشر از دیدگاه اسلام»، مطالعات تطبیقی حقوق بشر، ش ۱.
- (۵) توتونچیان، مهري، ۱۳۹۸ ش، «جایگاه حقوق اقتصادی اجتماعی در حقوق بشر اسلامی از منظر فقه»، فصلنامه حقوق پزشکی، ویژه‌نامه حقوق بشر و حقوق شهروندی، ش ۶.
- (۶) حرعاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۱ ق، وسائل الشیعه الی التحصیل مسائل الشرعیه، تهران، المکتب الاسلامیه، ج ۱.
- (۷) رستم‌زاده، حسین، ۱۳۸۴ ش، «جامعه بین‌المللی و تعهدات بین‌المللی *erga omnes*»، تهران، "نشریه مرکز امور حقوقی و بین‌المللی معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری، ش ۳۳.
- (۸) سلیمی، عبدالحکیم، ۱۳۹۸ ش، اصول حقوق بشردوستانه در اسلام با نگاهی به حقوق بین‌الملل، مجموعه مقالات چهارمین کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی، انتشارات آفتاب توسعه، چ ۱، ج ۹.
- (۹) سیاحت اسفندیاری، عابدین، عندلیب، حسین، ۱۳۹۵ ش، «بررسی تطبیقی حقوق بشر در اسلام و غرب»، مطالعات تطبیقی حقوق بشر، ش ۱.
- (۱۰) سنجرى، ابراهیم، ۱۳۸۹ ش، «حقوق بیگانگان در حقوق بین‌الملل و اسلام»، فصلنامه گفتمان حقوقی، ش ۱۷ و ۱۸.
- (۱۱) شریفی طرازکوهی، حسین، ۱۳۹۰ ش، حقوق بشردوستانه بین‌المللی، تهران، انتشارات میزان، چ ۱.
- (۱۲) ضیائی‌بیگدلی، محمدرضا، ۱۳۹۴ ش، حقوق بین‌الملل بشردوستانه، تهران، گنج دانش، چ ۳.
- (۱۳) طباطبایی، محمدحسین، ۱۴۰۲ ق، تفسیر میزان، تهران، نشر دارالکتب الاسلامیه، ج ۲ و ۴ و ۹ و ۱۳.





- (۱۴) ظریف، محمدجواد و سجادیپور، سیدکاظم، ۱۳۹۳ ش، دیپلماسی چند جانبه، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه، چ ۲.
- (۱۵) امید زنجانی، عباسعلی و دیگران، ۱۳۹۰ ش، حقوق بشردوستانه بین‌المللی، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- (۱۶) فضائلی، مصطفی، ۱۳۹۸ ش، «ماهیت و مبنای تعهد به تضمین رعایت حقوق بشردوستانه از نگاه اسلام و حقوق بین‌الملل»، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، دوره ۴۹، ش ۳.
- (۱۷) فقیه حبیبی، علی، ۱۳۹۵ ش، «جایگاه حقوق بشردوستانه در اسلام و اسناد بین‌المللی»، فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، سال ششم، ش ۲.
- (۱۸) قاری سیدفاطمی، سیدمحمد، ۱۳۷۴ ش، «بررسی تطبیقی حقوق پناهندگی در فقه و اسناد بین‌المللی»، نامه مفید، ش ۱.
- (۱۹) -----، ۱۳۸۹ ش، حقوق بشر در جهان معاصر، تهران، شهردانش، چ ۱، ج ۱ و ۲.
- (۲۰) قبادی لنگرودی، ارغوان، ۱۳۹۳ ش، «وضعیت حقوقی آوارگان خارجی ناشی از جنگ در حقوق بین‌الملل»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی.
- (۲۱) کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۱۸ ق، اصول کافی، ترجمه و شرح جواد مصطفوی، انتشارات علمیه اسلامی، ج ۲.
- (۲۲) کیانی‌زاده، علی و دیگران، ۱۳۹۸ ش، «ظرفیتهای حقوق بین‌الملل اسلامی برای دفاع از آسیب‌دیدگان جنگی»، ماهنامه آفاق علوم انسانی، ش ۲۸.
- (۲۳) کیهانلو، فاطمه، ۱۳۸۲ ش، «بررسی امکان اعمال اصل ممنوعیت اعاده در مواجهه با حرکات گسترده آوارگان جنگی»، مجله پژوهشهای حقوقی شهر دانش، ش ۴.





(۲۴) -----، ۱۳۹۰ ش، پناهندگی نظریه‌ها و رویه‌ها، تهران، انتشارات جنگل،

چ ۱.

(۲۵) گرجی، علی اکبر، ۱۳۸۳ ش، «مبنا و مفهوم حقوق بنیادین»، نشریه حقوق

اساسی، ش ۲.

(۲۶) محقق داماد، سیدمصطفی، ۱۳۸۳ ش، حقوق بشردوستانه بین‌المللی، تهران، مرکز

نشر علوم اسلامی.

(۲۷) مستقیمی، بهرام، ۱۳۶۷ ش، «بیگانگان و حقوق بین‌الملل»، مجله سیاست خارجی،

سال دوم، ش ۴.

(۲۸) مقسومی، مهدی، ۱۳۹۹ ش، «طرحی به منظور احیاء حقوق مهاجران اجباری در

اسلام»، (www.maqsoumi.ir).

(۲۹) مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، ۱۳۵۹ ش، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب

الاسلامیه، ج ۴ و ۲۴.

(۳۰) موسی‌زاده، ابراهیم، کهریزی، رزیتا، ۱۳۹۴ ش، «حقوق پناهندگی در اسلام:

منبعی برای توسعه حقوق بین‌الملل پناهندگی»، مجله اندیشه‌های حقوق عمومی،

سال چهارم، ش ۲.

(۳۱) میرعباسی، سیدباقر و سادات‌میدانی، سیدحسین، ۱۳۸۷ ش، دادرسی‌های بین-

المللی دیوان بین‌المللی دادگستری در تئوری و عمل، تهران، انتشارات جنگل، چ

۲.

(۳۲) نگهداری، عوض، ۱۳۸۶ ش، «جنگ، غیر نظامیان و حقوق بشردوستانه در

اسلام»، نشریه معرفت، سال ۱۶، ش ۱۱۸.

(۳۳) وزیر، مجید، حمیسی، علیرضا، ۱۳۸۷ ش، «اصول مشروعیت پناهندگی و

موارد مشابه آن در حقوق موضوعه»، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و

علوم سیاسی، دوره ۳۸، ش ۲.





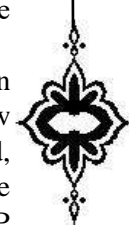
۳۴) هاشمی، سیدمحمد، ۱۳۸۶ ش، «رابطه دولت‌ها، نهادها و حقوق بشر»، مجله بازتاب اندیشه، ش ۹۲.

۳۵) -----، ۱۳۹۳ ش، حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، تهران، انتشارات میزان، چ ۳.

۳۶) هاشمی، سیدمحمد، دعاگو، حسین، ۱۳۹۸ ش، «جایگاه حقوق شهروندی کرامت‌مدار در دکترین مسولیت حمایت در پرتو حقوق بین‌الملل»، نشریه پژوهش‌های اخلاقی، سال نهم، ش ۴.

۳۷) هوهن فلدرن، زایدل، ۱۳۹۱ ش، حقوق بین‌الملل اقتصادی؛ ترجمه قاسم زمانی، تهران، انتشارات شهر دانش، چ ۵.

- 38) Albert, Matthew, (2010), "Governance and Prima Facie Refugee Status Determination: Clarifying the Boundaries of Temporary Protection, Group Determination, and Mass Influx", Refugee Survey Quarterly, vol. 29, no. 1.
- 39) Amrei Muller, (2011), "Limitations and Derogations from Economic, Social and Cultural Rights", Human Rights Law Review, Vol. 9.
- 40) Bayefsky, (1990) A. F., the Principle of Equality or Non-Discrimination in International Law, Human Rights Law Journal I, 11.
- 41) Bayefski, Anne F. and Fitzpatrick Joan, (2000), Human Rights and Forced Displacement, Martinus Nijhoff Publishers.
- 42) Care, G. and Storey H., (1995), Asylum Law, first International Judicial Conrence, London.
- 43) Cartagena Declaration on Refugees, Colloquium on the International Protection of Refugees in Central Amrmerica, Mexico and Panama, 22 November 1984.
- 44) Correal, Annie, Megan, Specia, "The Migrant Caravan: What to Know About the Thousands Traveling North", Accessible at: <https://www.nytimes.com/2018/10/26/world/americas/what-is-migrant-caravan-facts-history.html> Draft Conchusions on Identification of Customary International Law, International Law Commission, 2018. Erin D. Mooney., (2010), Something Old, Something New, Something Borrowed Something.. Blue? The Protection Potential of a Marriage of Concepts between R2P and IDP Protection, Global Responsibility to Protect 2.





- 45) ICJ Report, 1962. (South West Africa. Preliminary objections). Barcelona Traction, Light and Power Company, second phase, ICJ, Report. 1970.
- 46) ICJ, Gambia v. Myanmar, provisional measures, 2019, para. 75&87.
- 47) International Commission on Intervention and State Sovereignty (ICISS), (2001), the Responsibility to Protect.
- 48) IOM, (2011), Glossary on Migration, International Migration Law Series No. 25.
- 49) Kalin, Walter and Nina Schrepfer, (2012), "Internal displacement and the Kampala Convention; an opportunity for development actors" Internal Displacement, Monitoring Center.
- 50) Lauterpacht, S., & Bethlehem, D., (2003), The Scope and Content of the Principle of Non-refoulement: Opinion, Refugee Protection in International Law, Cambridge University.
- 51) Morel, Michele, (2013), the Right not to be Displaced in International Law, Ghent, Ghent University.
- 52) New York declaration, UNHCR, Quick guide, last update June 2017. Task team on comprehensive Responses, UNHCR headquarters, Geneva.
- 53) Plaku and M ,Kiss .B ,Gromilova .A , (2012), Climate refugees in the " 21 st century" Regional Academy on the United Nations.
- 54) Randle Defalco, (2009), "The Right to Food in Gaze: Israel's Obligations under International Law", The Internet Journal of Rutgers School of Law, Vol.35.
- 55) Report of the Special Rapporteur on Extrajudicial, Summary or Arbitrary Executions, E/CN. 4/2002/74.
- 56) Rolker, Turk, Andrew & Renita, Kablor, (2016). A minor miracle: A new global compact on refugees, center for international refugee law, university of New South Wales, Sydney.
- 57) The Organization of Africa Unity Convention Governing the Specific Aspects of Refugee Problems in Africa (1969).
- 58) The Responsibility to Protect Known as ICISS Report, Available. 46) Tunkin, (1974), Theory of International Law, London, George Allen 8. Unwin.
- 59) UNHCR, Guidelines on International Protection NO.11: Prima Facie Recognition of Refugee Status, 2015.
- 60) 62) UNHCR, Protection of Refugees in Mass In Flux Situations: Overall Protection Framework, 2001.

- 61) UN Committee on Economic, Social and Cultural Rights (CESCR), Concluding Observations, Sri Lanka E/C.12/1/Add.24, 1998.
- 62) UN General Assembly, New York Declaration for Refugees and Migrants, A/RES/71/1.2016.
- 63) Villagram Morales et al. (the street Children Case) Judgment of 19 November 1999, Inter-American Court of Human Rights, Series C No. 63.
- 64) Word Summit Outcome Document, 2005, A/RES/60/1.
- 65) www.dw.com/19/06/2019.
- 66) www.un.org/document.
- 67) Yvonne, Koning, (2013), Towards a Collective Responsibility to Protect, master thesis, University Jaume I, Castellon de la Plana, Spain.

